

رهیافتی مدرن برآیینی کهن:

مطالعه‌ای انسان‌شناختی از جشن نوروز ایرانیان در بریتانیا

دکتر نعمت‌الله فاضلی*

تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۵

چکیده

مقاله حاضر گزارشی از جشن‌های نوروزی ایرانیان مهاجر در بریتانیا است که به طرح "دیدگاه نظری"^(۱) تازه‌ای برای فهم نوروز در دنیای مدرن می‌پردازد. در بخش نخست مقاله، این دیدگاه نظری، بررسی و تشریح گردیده است. در بخش‌های دیگر، متناسب با دیدگاه ارائه شده، به بررسی گستره جهانی نوروز در دو دوره باستان و معاصر پرداخته شده است. بعد از آن گزارشی از جشن‌های نوروزی در بریتانیا ارائه می‌کنیم. دو بخش پایانی، به تحلیل کارکردهای نوروز و رابطه آن با دنیای مدرن، جهانی شدن و مهاجرت اختصاص دارد. این مقاله تلاش دارد تا تحولات آیین نوروز در جهان امروز را

* دکتری انسان‌شناسی دانشگاه لندن و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

توصیف و تحلیل نماید. این تحلیل بر مبنای مشاهدات و مطالعه میدانی نگارنده از چگونگی برگزاری آیین نوروز در بین جمعی از مهاجران ایرانی در لندن است. در عین حال سعی شده است تا با استناد به داده‌های دیگر و همچنین تجربه زیسته ام از چگونگی برگزاری نوروز در ایران، وضعیت کلی تحول نوروز در ایران را توضیح دهم. این بررسی نشان می‌دهد که نوروز دیگر بر مبنای فلسفه و تلقی اسطوره‌ای و تاریخی آن وجود ندارد بلکه این آیین مطابق نیازها و تحول شرایط اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر دگرگون شده است و با ارزش‌ها و مولفه مدرن مانند عقلانی شدن، مصرف‌گرایی، جهانی شدن، رسانه‌ای شدن و فرایندهای دیگر جهان امروز سازگار شده است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، مدرنیته، جهانی شدن، هویت، نوروز.

مقدمه و طرح مسأله

از دهه ۱۹۶۰ به بعد و به خصوص در سال‌های اخیراً، با گسترش مهاجرت ایرانیان به غرب (آمریکا و اروپا)، برگزاری آیین‌های فرهنگی ایرانی از جمله نوروز در این کشورها رو به گسترش بوده است. نوروز سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) اوج این گستردگی نسبت به تمام سال‌های گذشته بود. این مقاله به شرح و بررسی این موضوع و تحلیل علل، چرایی و چگونگی می‌پردازد. با توجه به فرایند جهانی شدن نوروز، به بررسی این نکته پرداخته‌ایم که این فرایند جهانی شدن چه تاثیری بر شیوه اجرا و فهم این آیین می‌گذارد؟ چه تفاوتی در فهم نوروز بین ایرانیان مهاجر با درک بومی نوروز در زادگاه آن یعنی ایران وجود دارد؟ اجرای این آیین چرا انجام می‌شود و به کدام نیازهای ایرانی مهاجر پاسخ می‌دهد؟ همچنین از لحاظ نظری هدف مقاله جستجوی نظریه‌ای برای تبیین نسبت نوروز و دنیای مدرن است.

برای بررسی این پرسش‌ها به مطالعه نوروز در بین ایرانیان مهاجر بریتانیا به منزله یک "مورد پژوهی"^(۱) یا شاهد تجربی پرداخته‌ایم. مهاجران ایرانی در بریتانیا و به خصوص مهاجران ساکن لندن، به دلیل آشنایی و "تجربه زیسته"^(۲) که از شیوه زندگی آن‌ها در نتیجه پنج

سال زیستن در لندن دارم، برای مطالعه برگزیده شده‌اند. در مطالعات مردم‌نگاری^(۱) و انسان‌شناختی که عموماً بر پایه "درک تفهمی" و درونی الگوها و رفتارهای فرهنگی استوار است، تجربه زیسته نقش اساسی ایفا می‌کند (Spradley, 1980). علاوه بر آن، لندن یکی از "شهرهای جهانی" است که میزبان انبوه مهاجران از ملت‌های مختلف از جمله ایرانیان است. ایرانیان مهاجر عمدتاً در شهرهای جهانی مانند لوس آنجلس، نیو یورک، لندن و پاریس زندگی می‌کنند (Naficy, 1993; Ansari, 1988; Hosseini-Kaladjahi, 1997). از این رو، مطالعه رفتار ایرانیان در لندن می‌توانست به نوعی نمونه مناسب تری برای شناخت عام رفتار مهاجران با نوروژ باشد. برای این منظور در دو برنامه برپایی جشن نوروژی یکی برنامه نوروژی بریتیش میوزیم یا "موزه بریتانیا"^(۲) در لندن که از دوم تا چهارم آوریل ۲۰۰۴ و دیگری، برنامه جشن سوآس^(۳) یا "مدرسه مطالعات شرق و آفریقای" دانشگاه لندن که در بیستم مارس ۲۰۰۴ برگزار شد شرکت کردم. داده‌های اتنوگرافیک این بررسی از راه "مشاهده مشارکتی"^(۴) و "مصاحبه"های طولانی و شفاهی با شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این جشن‌ها فراهم شده است.

عناوین اصلی بخش‌های مقاله عبارت است:

- نوروژ و جهانی شدن: طرح یک دیدگاه
- گستره جغرافیایی نوروژ در دوره باستان
- گستره جغرافیایی نوروژ در دوره معاصر
- نوروژ در بریتانیا
- علل و کارکردهای نوروژ برای مهاجران

نوروژ و جهانی شدن: طرح یک دیدگاه

نوروژ در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان در سراسر حوزه فرهنگ ایران را به خود معطوف کرده است (ساعد برومند، ۱۳۷۷؛ هُنری، ۱۹۹۱؛ رجیبی، ۱۳۷۶؛ عزیزی، ۱۹۸۸؛ روح الامینی، ۱۳۷۸؛ مظاهری، ۱۹۹۲؛ بشیر عزیزی، ۲۰۰۳). این توجه، از یک سو از نقشی که

1- ethnography

2- British Museum

3- SOAS

4- participant observation

نوروز در سیاست ناسیونالیستی و استقلال یافتن کشورهای تاجیکستان، آذربایجان و کشورهای آسیای میانه و تعارضات قومی در افغانستان دارد، نشأت می‌گیرد و از سوی دیگر، ناشی از "جهانی شدن"^(۱) و اهمیت یافتن آیین‌های قومی در فرایندهای جهانی از جمله مهاجرت اقوام ایرانی به غرب است. اما علی‌رغم گستردگی نسبی این مطالعات، اغلب یا از منظر ادبی است و به ستایش نوروز و بهار اختصاص دارد، یا از منظر تاریخی است و به ریشه‌های تاریخی و اسطوره‌ای آن می‌پردازد (رجبی، ۱۳۷۶؛ مظاهری، ۱۹۹۲). برخی نیز جنبه سرگرمی، تجاری و تبلیغی دارند که اغلب در مطبوعات و رسانه‌ها منتشر می‌شوند. تاکنون کم‌تر برای تبیین نوروز در بافت و ساختار جهان مدرن نظریه‌ای ارائه شده است، زیرا همان‌طور که گفتیم، گفتمان نوروز پژوهی، اساساً مبتنی بر نگرشی تاریخی-ادبی و فولکلوریک است، نه انسان‌شناختی. از این رو حتی مطالعات انسان‌شناختی این حوزه نیز یا به همان بررسی‌های تاریخی محدود می‌شود (برای مثال: روح‌الامینی، ۱۳۷۸) یا به گزارش‌های فولکلورشناختی در زمینه گردآوری آداب و رسوم نوروزی در مناطق مختلف، یا در لا به لای متون ادبی و تاریخی اختصاص دارند (برای مثال: ساعد برومند، ۱۳۷۷).

تمرکز گفتمان‌های مطالعات نوروزپژوهی بر ابعاد تاریخی و ادبی، دلایل مختلفی دارد که از جمله می‌توان به تلاش آگاهانه نخبگان فکری و سیاسی ایرانی در جهان برای احیا یا به تعبیر اریک‌هابزبام و رانگر (۱۹۸۳) "ابداع مجدد"^(۲) نمادهای تاریخی، قومی و فولکلوریک برای تشکیل و تقویت دولت-ملت‌های مدرن،^(۳) سلطه سنت قوی نگرش‌های تاریخی و ادبی در این کشورها و نیز ماهیت و جنس تاریخی بودن نوروز اشاره کرد. مجموعه این عوامل باعث می‌شود نگرش جوهری یا ذات‌گرایانه‌ای^(۴) در شناخت عناصر فرهنگی و فولکلوریک مانند نوروز که "بنیان‌های فرهنگی" اقوام گوناگون جهان ایرانی را تشکیل می‌دهند، تسلط یابد. نگرش ذات‌گرایانه، فرهنگ را بیشتر امری ثابت می‌پندارد تا متغیر. به همین دلیل، اغلب در

1- globalization

2- invention of tradition

ابداع مجدد، عنوان کتاب‌هابزبام و رانگر است و ایده اصلی کتاب، تبیین استفاده مجدد اروپایی‌ها از سنت‌های شان در بستر دنیای مدرن است.

3- Nation-state

4- essentialism

مطالعات مربوط به این حوزه، درک متغیر و سیال بودن ماهیت مفاهیم و سنت های فرهنگی و به خصوص عناصر و مولفه های فرهنگ مردم، دشوار می شود (Funch, 2001: 12).^(۱) اما در عمل، فرهنگ همواره در عین داشتن نوعی ثبات، متغیر و پویاست. یعنی در دوره ها و مکان های متفاوت، مولفه های فرهنگ و بسیاری از سنت های موجود، دقیقاً "کارکرد اجتماعی"^(۲) و "معنای" متفاوت و گاهی مغایر داشته اند. تاریخ تحولات تمام سنت های فرهنگی، گواهی بر این خصلت سیالیت و متغیر بودن فرهنگ است. برای مثال در زمینه آیین های نوروزی، برخی محققان بر این باور هستند که رسم سیزده بدر برای بیرون کردن نحسی سیزده نبوده است؛ زیرا در ایران باستان، سیزده نه تنها نحس به شمار نمی آمده، بلکه یکی از ایام مقدس و خجسته بوده است؛^(۳) و «تفکر نحوست عدد ۱۳ از دو شاخه مردم کشورهای غربی و عرب ها به ایران وارد شده است»^(۴) (روح الامینی، ۱۳۸۳؛ بقایی، ۱۳۸۳). حتی این باور که سیزده بدر همیشه و همه جا در روز سیزدهم فروردین برگزار می شود نیز قابل تردید است؛ زیرا مردم لرستان بنا بر سنتی قدیمی، روز چهاردهم فروردین از خانه های خود بیرون می روند، سبزه ها را به آب می دهند، شادی می کنند و دختران دم بخت، سبزه گره می زنند^(۵) (اسدیان، ۱۳۸۳).

۱- استفن فانج این ایده را در سراسر کتاب خود با عنوان بر علیه ذت گرایی: نظریه ای درباره فرهنگ و جامعه (۲۰۰۱) شرح می دهد.

2- Social function

۳- ابوریحان بیرونی درباره ی ۱۳ فروردین می گوید ایرانیان باستان هر روز از ماه را به نامی می خواندند و سیزدهمین روز هر ماه هم تیر روز بود که تیر نام فرشته ای عزیز و ستاره ای بزرگ، نورانی و خجسته است. با توجه به اینکه فرشته ی تیر در آیین ایرانیان باستان دارای منزلتی است و به عنوان ستاره ای خجسته و نشاط انگیز معرفی می شود، بنابراین اصلاً عدد ۱۳ در فرهنگ اصیل ایرانی نمی توانسته است نحس باشد و برعکس، سیزدهمین روز هر ماه برای ایرانیان روزی مبارک بوده است.

۴- مردم کشورهای غربی به خصوص مسیحیان عدد ۱۳ را نحس می دانند و مهم ترین دلیل این اعتقاد داستان یهودای خائن است که جزو حواریون مسیح (ع) بود. معروف است که یهودا با دشمنان حضرت مسیح (ع) قرار می گذارد که در قبال دریافت ۳۰ سکه ی نقره، مسیح (ع) را به آنان تسلیم کند و برای نشان دادن حضرت عیسی مسیح (ع) به سمت او می رود و در آغوشش می گیرد. به این ترتیب، دشمنان، مسیح (ع) را می شناسند و او را به صلیب می کشند. چون یهودا سیزدهمین کسی است که به جرگه ی یاران مسیح (ع) می پیوندد، مسیحیان عدد ۱۳ را نحس می دانند.

۵- بیرون رفتن مردم در روز چهاردهم فروردین، ممکن است به تفاوت تقویم رسمی و بومی این منطقه

این تغییرات، تنوعات و تفاوت‌ها در نوروز، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. به خصوص تاکنون نظریه‌ای برای تبیین نوروز در چارچوب تحولات کنونی در "جهان ایرانی و ایران جهانی"^(۱) و جهان امروز به طور کلی، ارایه نشده است. این مقاله برای پُر کردن این خلاء نظری، نگرشی تازه را برای فهم نوروز در چارچوب نظریه‌های مدرنیته و فرایندهای جهانی شدن پیشنهاد می‌کند. در این نگرش، نوروز امری متغیر، تحول پذیر، و زمان مند است که در ارتباط با شکل‌گیری هویت انسان مدرن در چارچوب شرایط جدید امروزی، ایفای نقش می‌کند. در زیر این رویکرد را شرح می‌دهیم.

نوروز یکی از عناصر فرهنگ ایرانی است که در چند دهه اخیر توانسته است بیش از هر زمانی در تاریخ گذشته به خارج از مرزهای سرزمین "ایران بزرگ" یا سرزمین‌های "حوزه فرهنگ ایرانی" یعنی آسیای میانه، هند و کشورهای شبه قاره - گسترش یابد. این فرایند را می‌توان فرایند «جهانی شدن مجدد نوروز» نامید؛ زیرا پیش از این نیز در دوره‌ای از تاریخ، نوروز گستره جهانی داشته است. اگرچه نوروز از جهاتی، جشنی منطقه‌ای و سرزمینی شناخته می‌شود و بیش از هر چیز با نام سرزمین ایران پیوند خورده است، اما در عمل، همواره گستره‌ای فراتر از ایران داشته است. از این منظر می‌توان دو مرحله اساسی در تاریخ نوروز را از هم تفکیک کرد. نخست، "دوره باستانی" که تقریباً در تمام جهان متداول بوده است. با رواج مسیحیت، ظهور اسلام و افول دین‌های ایرانی میتراپسم و زرتشت، گستره نوروز محدود می‌شود. دوم، "دوره اخیر" که هم‌گام با "فرایندهای جهانی شدن" و "مهاجرت" اقوام ایرانی از ایران، افغانستان، تاجیکستان و آسیای میانه به کشورهای غربی و سراسر جهان، مجدداً آیین‌های نوروز نیز در سراسر جهان توسط این مهاجران برپا می‌شود.

نیز مربوط باشد. چون مناطقی مانند لرستان، مازندران، کردستان، گیلان و هرمزگان، یکسری تقویم‌های بومی با بنیان شبانی یا کشاورزی - شبانی دارند که ممکن است با تقویم رسمی کشور متفاوت باشد. مثلاً در ایلام، آغاز سال نو دقیقاً با ساعت رسمی تحویل سال یکسان نیست.

۱- جهان ایرانی و ایران جهانی عنوان کتابی از محسن ثلاثی (۱۳۸۰) است. ثلاثی در این کتاب این نظریه را مطرح می‌سازد که ایران از دوره هخامنشیان تاکنون خصلت جهانی بودن داشته است. به اعتقاد او ایرانیان برخلاف چینی‌ها که به دور سرزمین خود دیوار می‌کشیدند، ایرانیان به سراسر جهان راه و جاده می‌ساختند. فارغ از جنبه قضاوت ارزشی نهفته در این نگرش، واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که برخی از عناصر فرهنگ ایرانی مانند نوروز همواره گستره‌ی بین‌المللی داشته‌اند.

نکته اساسی این است که اگرچه امروزه مجدداً جشن‌های نوروز در سطح جهانی در حال گسترش است، اما بین، کارکردها، چگونگی و شیوه‌ها برپایی نوروز نوروز در باستان و امروز، به خصوص نوروزی که مهاجران برپا می‌دارند، تفاوت ماهوی وجود دارد. نوروز امروز نه با آن روایت اسطوره‌ای دیروز، بلکه در چارچوب نیازها و شرایط مدرن و پسا مدرن امروز انجام می‌شود. همان طور که می‌دانیم منطق باستانی نوروز "اسطوره‌های نوروزی" است؛ اسطوره‌هایی مانند "اسطوره زیبای آفرینش در ایران باستان"، "اسطوره نمادین سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی" اسطوره دوران جمشید" و افسانه‌هایی که جم با حضرت سلیمان آمیخته می‌شود و از مجموعه این افسانه‌ها بنیان‌گذاری نوروز را به سلیمان نسبت می‌دهند (رسولی، ۱۳۸۳). اما منطق امروزی نوروز "اسطوره‌های مدرن و پسا مدرنی" است که تاکنون کم‌تر بررسی و کاویده شده‌اند. اگرچه، تمامی آن اسطوره‌های تاریخی به نحو پیچیده‌ای در فرایند شکل‌بخشی به هویت انسان ایرانی، به خصوص ایرانیانی که خارج از مرزهای وطن خود زندگی می‌کنند بازتولید می‌شوند. زیرا «نوستالژی نسبت به گذشته تاریخی وطن، پاره‌ای از مولفه‌های سازنده رشد و تکامل انسانی است که از طریق متصل کردن و توسل جستن به ریشه‌ها و مشترکات باعث بازسازی و ترمیم انفصال‌ها و انقطاع‌های هویتی در سطح فردی و جمعی می‌شود» (Naficy, 1993: 148). اما همان طور که مانویل کسل می‌گوید قومیت‌ها در پرتو شرایط مدرن، به بازتولید و تفسیر سنت‌های تاریخی خود می‌پردازند و هرگز هویت تاریخی شان را عیناً به منظور تکرار آن هویت، عرضه نمی‌کنند.^(۱)

از این رو، ایرانی‌های مهاجر و اقوام دیگر، امروز به نحوی آگاهانه و به نوعی "قراردادی" برای برگزاری نوروز در محلی‌گردهم می‌آیند. جوهر تعمدی و آگاهانه، آن را از برگزاری سنت‌ها در داخل زادگاه و وطن که اغلب به حکم فرهنگ و ناخودآگاه جمعی انجام می‌شود، متفاوت می‌سازد. از آن جا که به نحو آگاهانه این آیین‌ها را انجام می‌دهند، همواره خود را مخیر و آزاد می‌دانند تا به روش انتخابی عناصری از گذشته را برگزینند که مناسب شرایط امروز آنان است. همچنین از آنجا که در معرض فرهنگ‌های دیگر قرار دارند، اغلب به "روش خلاقانه" آیین‌های

۱- این نکته بسیار اساسی است که در اینجا و بخش‌های دیگر مقاله، به خصوص در بخش پایانی آن را به نحو دقیق‌تر شرح می‌دهیم.

سنتی خود را با آیین‌ها و روش‌های فرهنگی دیگر در می‌آمیزند. افزون بر این، نوروزی که در سرزمین‌های بیرون از ایران توسط مهاجران ایرانی برگزار می‌شود، با نوروزی که در حال حاضر در ایران انجام می‌گیرد دارای تفاوت‌های بنیادینی است؛ اگرچه همه در این امر که نمادی از ایران و فرهنگ آن است مشترک‌اند، و آیین‌های نوروزی داخل کشور نیز همان طور که خواهیم دید تحت تاثیر دنیای مدرن قرار دارد.

در این زمینه می‌توان گفت از انتهای قرن نوزدهم به بعد با ورود گسترده ایران به دوره مدرن و شکل‌گیری گفتمان‌ها و به تبع آن چالش‌های هویت ملی، دینی و مدرن، انسان ایرانی نسبت به لایه‌های پنهان و آشکار فرهنگی خود، آگاه و خودآگاه شد، و به تدریج تمام سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی، از جمله نوروز نه تنها به منزله سنتی موروثی، به طرز ناخود آگاه، پذیرفته و اعمال می‌شود، بلکه به منزله نوعی آیین فرهنگی و اجتماعی که افراد به معنا و وجود آن علم و آگاهی دارند، تلقی شده است. آن‌گاه که انسان آگاهانه عناصر فرهنگی را درک و تجزیه و تحلیل می‌کند، در فضای مدرن قرار می‌گیرد؛ زیرا دیگر سنت‌ها نه از آن جهت که تاریخ را به دوش می‌کشند بلکه از آن حیث که آگاهانه "انتخاب شده اند"، مورد توجه‌اند. این نکته برای مهاجران که در محیطی بیرون از "زیست بوم تاریخی" خود زندگی می‌کنند نمودی مضاعف دارد. یعنی میزان و غلبه خودآگاهی مهاجران در برگزاری این جشن، به مراتب بیش از انجام یک سنت برحسب عادت یا به حکم "میراث اجتماعی" است. زیستن در یک جامعه دیگر، به منزله زیستن در "ضد محیطی" است که آگاهی دایمی به محیط بومی را تولید می‌کند. از این منظر، نوروز مهاجران، تفاوت بنیادین با نوروز در داخل کشور و نسبت وثیق تری با تحولات مدرنیته دارد.

در بررسی حاضر با توجه به توضیحات مذکور، رویکرد ما بر این اصل استوار است که برپایی جشن‌های نوروزی در بین مهاجران ایرانی، هم دارای جنبه‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک است و هم دارای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی مهمی در زندگی مهاجران. برای فهم نوروز در بین مهاجران باید از یک سو شرایط جامعه مدرن غرب از سوی دیگر، مهاجرت و فرهنگ مهاجران را به درستی درک کرد. اساسی‌ترین نکته در این زمینه آن است که فرهنگ و فعالیت فرهنگی برای مهاجران، تنها یک تفریح و پر کردن اوقات فراغت نیست، بلکه تمام زندگی است. از این رو باید برپایی جشن نوروز در بین مهاجران را در

چارچوب شیوه زندگی و فرهنگ مهاجر بودن آن‌ها و بافت و ویژگی‌های جامعه و دوره فراصنعتی و فرانوگرایی که در آن زندگی می‌کنند، تحلیل و بررسی کرد.

آیین‌های نوروز مهاجران، با توجه به این واقعیت که در زمینه اجتماعی متفاوتی از فرهنگ ایرانی انجام می‌گیرد، لاجرم متأثر از شرایط و محیط کشورهای میزبان یعنی جامعه غرب است. این تاثیر را می‌توان به‌طور مشخص در نفوذ "فرهنگ عامه پسند"^(۱) فرهنگ مصرف‌گرایی" ارزش‌های سکولار نظام سرمایه داری، لیبرالیسم، عقلانیت و دموکراسی به منزله ویژگی‌های بنیادین جامعه مدرن مشاهده کرد؛ تاثیری که البته کم و بیش در داخل ایران نیز قابل مشاهده است؛ چراکه مدرنیته و نظام سرمایه داری، نشان خود را در ایران به نحو روشنی برجای نهاده است، هرچند تا رسیدن به نقطه بلوغ مدرنیته در ایران، هنوز راه زیادی در پیش است.

با توجه به کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نوروز در کلیت زندگی مهاجران، شکل و محتوای آن با مراسم و آیین‌های نوروزی که در داخل کشور انجام می‌شود، از برخی جهات متفاوت است که از آن جمله می‌توان، تاکید بیش‌تر بر به‌کارگیری عناصر و نمادهای سنتی، استفاده از نمادهایی که جلوه‌های بازنمایی و بصری بیش‌تر دارند، در آمیختن نوروز با کل فرهنگ ایرانی، تبدیل کردن آن به "نمایش فرهنگی"^(۲) برای معرفی، عرضه و انتقال فرهنگ ایرانی به نسل‌های جوان‌تر و غیر ایرانیان و جامعه میزبان را نام برد. از این نظر، برپایی جشن‌های نوروزی اساساً تلاش مهاجران ایرانی برای بازیابی و بازتعریف هویت و فرهنگ آن‌هاست، فرهنگ و هویتی که در نتیجه، بیرون رفتن از سرزمین مادری و تعلق نداشتن به سرزمین میزبان که در آن زندگی می‌کنند، "سرزمین زدایی"^(۳) شده و فاقد بُعد مکان و زمان است و در نتیجه هستی مادی خود را متزلزل می‌بیند و نیازمند تلاش آگاهانه برای شکل یافتن و تعریف است. از این رو به تعبیر رییس کمیسیون فرهنگ اداره یونسکو در ایران: «کسانی که سالها است خارج از ایران زندگی می‌کنند به مراتب نسبت به سنت نوروز وابستگی بیشتری احساس می‌کنند تا ماکه در ایران هستیم. آن‌ها سعی می‌کنند که این احساس تعلق و هویت ملی و فرهنگی شان حفظ شود».^(۴)

1- popular culture

2- cultural show

3- deterritorialize

۴- نوروز و محرم: میراث معنوی جهان. گفتگو با دکتر فاطمه فراهانی، رییس اداره فرهنگ کمیسیون ملی

با توجه، به مجموعه این نکات، مفهوم و تلقی از هویت و نسبت آن با مهاجرت و مدرنیته، نقش اساسی در تبیین نوروژ ایرانیان مهاجر ایفا می‌کند. از منظر انسان‌شناسی، هویت پدیده‌ای مرکب، ارتباطی و ابداعی است (کلیفورد، ۱۹۸۸: ۱۰). یعنی هر گروه و جامعه‌ای با توجه به شرایط زیست بوم یا "جهان زندگی" اش و در جریان ارتباطاتش با جوامع و گروه‌های دیگر، به ابداع یا باز تعریف خود می‌پردازد. جهان زیست انسان معاصر، به خصوص انسان مهاجر، عمدتاً شرایطی است که آن را مدرن یا مدرنیته تعریف می‌کنند. همان‌طور که استدلال خواهیم کرد "مهاجرت انبوه"^(۱) پاره‌ای از فرایندهای مدرنیته و جهان مدرن است. منظور از مدرنیته بیش از هر چیز، ساختارهای اجتماعی - فرهنگی است که از دوره روشنگری به تدریج در پرتو فرایندهای شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراسی، کاپیتالیسم و اقتصاد آزاد ظهور کرده و هر روز رشد و تکامل و در عین حال دگرگونی یافته است (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۳). بین مدرنیته و هویت، رابطه‌ای نزدیک وجود دارد؛ زیرا مدرن شدن از منظر انسان‌شناسی، نوعی فرایند کسب آگاهی، باز شناسی و ارزیابی انتقادی مداوم از خود به منظور ایجاد بهترین الگوی تطابق با مجموع شرایط محیطی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دوره مدرن است. در این دیدگاه، هر گروه و جامعه‌ای متناسب؛ وضعیت خاص خود فرایندی منحصر به فرد از مدرن شدن را طی می‌کند، که ممکن است با جوامع و گروه‌های مشابه خود، وجوهی مشترک و با جوامع و گروه دیگر، اشتراکات کم تری داشته باشد. اما در هر صورت، کلیت مدرنیته هر گروه و جامعه‌ای، منحصر به فرد است. بنابر این، فرایند مدرن شدن همواره در ماهیت خود، نوعی انطباق یا بومی‌سازی مداوم همراه است. از این رو، به قول جیمز کلیفورد، هر جامعه‌ای ناگزیر است برای نیل به مدرنیته "تفاوت آن را از دیگر مدرنیته‌ها ابداع و بازشناسی کند" (۱۹۸۸: ۱۵).

با توجه به رویکرد بالا، استدلال ما این است که مهاجران ایرانی، نوروژ را از یک سو در پرتو موقعیت خاص خودشان برای شکل بخشیدن به هویتی مدرن به خدمت می‌گیرند که هم آنان را با جامعه مدرن غرب، سازگار و منطبق کند و هم در رنگ تغلق بومی و متفاوت بودن به آن‌ها بزند؛ به نحوی که بتوانند بدون غربی شدن، در غرب زندگی کنند. در زیر ابتدا عمومیت

نوروز را در دوره باستان و سپس در دوره مدرن، شرح می‌دهیم.

گستره جهانی نوروز در دوره باستان: نوروز، جشن و آیینی است که از ابتدا جنبه بین‌المللی داشته و محدود به مرزهای سیاسی معینی نبوده است. حتی در ایام باستان که امپراتوری پارس بزرگ‌ترین امپراتوری جهان بود و رقبایش مصر و یونان بودند، آیین‌های نوروزی در این کشورها رایج بوده است. هرودت معتقد است که مصریان باستان، اولین کسانی بوده‌اند که سال را به ۱۲ ماه تقسیم کرده و به پایان آن ۵ روز اضافه کردند. قلقشندی صاحب کتاب "صبح الاعشی" می‌گوید: «نوروز که یکی از مشهورترین اعیاد مصر است از ایران باستان گرفته شده و به آن نام نیروز قطبی داده‌اند. این عید با همان نام و آداب و سنن ایرانی در مصر برگزار می‌شود.» وی در کتاب «مناهیح الفکر» نیز می‌گوید: مصریان در آن روز شادی کرده، آتش می‌افروزند و آب بر روی یکدیگر می‌پاشند که از مراسم ایرانیان به مراتب مفصل‌تر است و مردم شام نیز همین آیین را در اول ماه نیایش که یکی از ماه‌های رومی است برگزار می‌کنند (اخوان بهبهانی، ۱۳۸۳). برگزاری جشن نوروز در کشورهایمانند هند هم سابقه‌ای دیرینه دارد و علاوه بر "پارسی‌های" هند که این آیین را اصولاً جشن محلی و بومی خود می‌شناسند، نوروز با نام "جشن هولی" در میان برخی اقوام دیگر نیز برگزار می‌شود. هولی که با مذاهب و ساختار اجتماعی اقوام مختلف هند در آمیخته است هم چنان نمادهای مشترک ایرانی را دارد. آیین جشن دو روز است. در روز اول آتشی بزرگ در غروب و یا شب هنگام روشن می‌شود قبل از آن آتش بزرگ دیگری بر روی مکانی که از قبل آماده شده روشن می‌شود و تمثالی از هولیکا که از خیزران و یوریا ساخته شده در حرکت دسته جمعی منظم به همراه خوانندگان و نوازندگان محلی به وسیله برهمن‌ها با تشریفات به محل می‌شود (حسینیان، ۱۳۸۳) نیز نمونه دوردستی از آتش افروزی نوروزی را در نزد مردم روستاهای جنوب کشور رومانی گزارش کرده‌اند (مزدآپور، ۱۳۸۳). برگزاری آیین‌های نوروزی در اروپا در گذشته‌های دور نیز رواج داشته است. صاِدِ همایونی در «نوروز و پیوستگی‌های آن با سایر اقوام و ملل» می‌نویسد:

در برگزاری جشن و آیین‌های نوروزی که هزاران سال پیشینه دارد افزون بر زردشتیان و مسلمانان که هر کدام باور خود را دارند مسیحیان ارمنی و نیز یهودیان فارسی در سمرقند و بخارا و برخی از شهرهای آسیای مرکزی نوروز و اعتدال بهاری را جشن می‌گیرند. گذشته از ایران در آسیای صغیر و یونان برگزاری جشن‌ها و آیین‌هایی را در آغاز بهار سراغ داریم، در

منطقه لیدی و "فری ژی"^(۱) منطقه شمال آسیای صغیر بر اساس اسطوره‌های کهن به افتخار "سی بل"^(۲) الهه باروری و معروف به مادر خدایان و الهه "اتیس"^(۳) جشنی در هنگام رسیدن خورشید به برج حمل و هنگام اعتدال بهاری برگزار می‌شد. مورخان از برگزاری آن در زمان آگوست شاه در تمام سرزمین فری ژی و یونان ولیدی و آناتولی خبر می‌دهند به ویژه از جشن و شادی بزرگ سه روز ۲۵ تا ۲۸ مارس (۴ تا ۷ فروردین) (همایونی، ۱۳۸۳)

برپایی آیین‌های نوروزی یا مشابه آن در سراسر اروپا وجود داشته است؛ چرا که تا قبل از رواج مسیحیت، میتراپسم یا آیین مهرپرستی دین رایج این ناحیه بوده و حتی بعد از گرویدن به مسیحیت نیز تا قرن‌ها جشن کریسمس و ژانویه رواج نداشته است. بر اساس شواهد باستانشناختی و تاریخی موجود، در آغاز سده چهارم میلادی، بیش از ۳۰۰ معبد میتراپسی (مهرابه) در ایتالیا وجود داشت و قاطبه مردم، یلدا (تولد مهر) را جشن می‌گرفتند. در ضمن، این آیین توسط لژیونرهای رومی به مناطق تحت نفوذ امپراطوری از جمله آلمان، اتریش و انگلستان انتقال یافت و مهرابه‌های متعددی در آن کشورها ساخته شد. در سال ۱۹۵۴ بقایای یک مهرابه هنگام بازسازی "وُلبروک هاوس"^(۴) لندن که در زمان جنگ آسیب دیده بود، کشف شد و پس از مدتی آن را کنده و در کنار "کویین ویکتوریا استریت"^(۵) در نزدیکی "بنک"^(۶) بازسازی کردند و هم اکنون در تمام روزهای هفته در ۲۴ ساعت در آن جا قابل رویت است. اما از اوایل قرن چهارم، به تدریج آیین میتراپسم و سنن آن از اروپا برچیده شد. امپراطور کنستانتین اول، مشهور به "پدر کلیسا" کسی است که پایتخت رم شرقی را بنا کرد و به نام خود آن را قسطنطنیه^(۷) نامید. او که در سال ۳۱۲ میلادی، ایتالیا و رم را تسخیر کرد، و علاقه داشت دین مسیح را در ایتالیا رواج دهد، ولی چون نمی‌توانست مستقیماً با میتراپسم مقابله کند، در سال ۳۱۲ فرمانی را در میلان برای آزادی و برابری مذاهب صادر کرد و دستور داد که چون مسیحیان حضرت عیسی را مظهر نور می‌دانند آن‌ها نیز یلدا را به عنوان روز تولد مسیح جشن بگیرند. این موضوع را مسیحیان متعصب نپذیرفتند؛ زیرا برپایی جشن تولد مخصوصاً یلدا را آیینی

1- Phry Gie

2- Cybel

3- Attis

4- Walbrook House

5- Queen Victoria Street

6- Bank

7- Constantinople

برگرفته از کافران و مشرکین^(۱) می‌دانستند. تغییر و تصحیح تقویم بار دیگر در قرن شانزدهم انجام گرفت. در سال ۱۵۸۲ به دستور پاپ گرگوری سیزدهم، روز بعد از چهارم اکتبر، روز ۱۵ اکتبر اعلام شد. پس از گذشتن متجاوز از چهار قرن این فرمان و دستورات دیگر از قبیل قرار دادن اول ژانویه به عنوان اولین روز سال، به صورت کلی مورد قبول مردم واقع شده است؛ ولی قسمت‌هایی از کلیسای ارتدکس، این تقویم و پیشنهادهای کنفرانس (نیسه آ) را قبول ندارند و تاریخ‌های مذهبی را بر مبنای تقویم جولین حساب می‌کنند (فتح راضی ۱۳۸۲؛ Miller, 1993). برخی نیز ریشه نوروز را در کشاورزی و وابستگی انسان به طبیعت می‌دانند. از این نظر، نه تنها ایرانیان بلکه در گذشته اغلب سرزمین‌ها فرا رسیدن بهار را جشن می‌گرفتند. از این رو هنوز هم بقایای نوروز در سرزمین‌هایی که رومن‌ها ماه فوریه (اسفند) را ماه نظافت و دور کردن بدی‌ها و بدیمنی‌های زمستان می‌دانستند و با اجرای مراسمی، خود را برای شروع سال نو و استقبال از بهار آماده می‌کردند، مشاهده می‌شود. در جزایر «لیوارد»^(۲) هلند، هنوز این آیین‌ها با نام ساکافوکو^(۳) برگزار می‌شود. هدف این آیین‌ها «دور کردن نحسی» روزگار است. رومن‌ها سابقاً پایان زمستان و آغاز بهار را جشن سال نو می‌گرفتند و آن را «فورواریس»^(۴) یا «جشن فوریه» می‌نامیدند. جشن فورواریس سه روز می‌انجامید.

کلیسای کاتولیک تلاش‌های زیادی کرد تا سنت‌های دهقانی را که ریشه در آیین‌های کفر داشت، برچیند. از جمله این تلاش‌ها برگزاری جشن‌های سنت مارتین است که در روز یازدهم ماه نوامبر (یازدهمین ماه سال) برگزار می‌شد. هدف این جشن، فراهم سازی مقدمات جشن زمستان در چارچوب آموزه‌های مسیحی بود. هدف جشن‌های زمستان، دور کردن بدی‌های این فصل بود.^(۵)

کلیسای کاتولیک در نهایت موفق به حذف آیین‌های کفار نشد. از این رو در سال ۱۰۹۱، کلیسای کاتولیک روز چهارشنبه سه روز بعد از جشن آغاز سال نو را «اش و نزدی»^(۶) اعلام کرد. اش و نزدی، روز آغاز ایام چهل روزه، روزه گرفتن در مسیحیت است که در آن، غسل «بتیاز»^(۷)

1- pagans

2- Leewardrd

3- SakaFuku

4- Februarius

5- <http://www.karnaval2004.com/carnivalarticle.shtml>

6- Ash Wednesday

7- baptize

عیسی مسیح گرامی داشته می‌شود. مسیحیان در ایام روزه داری از خوردن گوشت خودداری می‌کردند، از این رو آن را Carne Levale که در زبان لاتین به معنای امساک از مصرف گوشت است، می‌نامیدند. اما در معنای امروزی آن، کارنوال واژه‌ای است که در قرن سیزدهم پدید آمد. بررسی تاریخی جایگاه نوروز در دوره باستان، موضوع این تحقیق نیست و از حوزه تخصص و مطالعات نگارنده بیرون است. اما با توجه به مجموعه اطلاعات موجود در این زمینه، هیچ تردیدی وجود ندارد که نوروز یا جشن‌های مشابه آن در دوره‌های گذشته تاریخ در اغلب سرزمین‌های جهان رایج بوده است. از این نظر می‌توان گفت نوروز اساساً جشن و آیینی جهان‌گستر بوده است که تحولات اجتماعی و فرهنگی، باعث محدود شدن آن به سرزمین‌های جهان ایرانی شده است؛ محدودیتی که پس از چندین سده، دو باره در حال برداشته شدن است. هر چند همان‌گونه که خواهیم دید، ماهیت و چگونگی گسترش یا جهانی شدن نوروز، تفاوت بنیادین با دوره باستان آن دارد.

جهانی شدن نوروز در امروز

همان‌طور که گفتیم در چند دهه اخیر، هم‌گام با مهاجرت و حضور ایرانیان در کشورهای مختلف، جشن نوروز دوباره به اروپا راه یافته و در حال گسترش است. در نتیجه با توجه به حضور اجتماعات بزرگ و کوچک مهاجران ایرانی در سراسر جهان، امروزه کم‌تر کشوری وجود دارد که مراسم نوروز در آن برگزار نشود. در کشورهای گوناگون جهان، مراسم چهارشنبه سوری، تحویل سال نو، جشن و سرور نوروزی، سیزده بدر و بسیاری از رسم و رسوم ریز و درشت آن مانند هدیه دادن، حاجی فیروز، قاشق‌زنی، خرید آجیل‌های مخصوص و تهیه غذاها و شیرینی‌های ایرانی و بسیاری مراسم دیگر، از سوی ایرانیان برگزار می‌شود. در این ایام، فروشگاه‌های ایرانی، موسیقی ایرانی و هر چیز دیگری که رنگ و بوی ایرانی دارد در سراسر جهان رونق دارند و به جهان برای چند روزی، رنگ و بوی ایرانی می‌دهند. در زیر، نمونه‌ای چند از گزارش‌های منتشر شده پیرامون نوروز در برخی کشورهای جهان را بیان می‌کنیم؛ اگرچه این گزارش‌ها تنها چند نمونه و مثال است و قصد ارایه گزارش توصیفی جامع از آیین‌های نوروزی در جهان را نداریم و ضرورتی نیز به بیان تمام آن‌ها نیست.

در نوروز ۱۳۸۳، شهردار پاریس اگرچه باگردی خواندن نوروز، خاطر ایرانیان را آزد اما

نوروز ۱۳۸۳ را «درتالار بزرگ شهرداری پاریس که بسیار زیباست و گچ بری‌ها و طلاکاری‌ها و تزئینات گرانبهایی دارد» جشن گرفت.^(۱) هم چنین برای نوروز ۱۳۸۳ «سازمان زرتشتیان جهان»^(۲) در لندن، در اسفند ۱۳۸۲ طی اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد که مراسم چهارشنبه آخر سال چهارشنبه سوری را باشکوه هر چه تمام تر برگزار می‌کند. این سازمان اعلام کرد مراسم مذکور، هم چون سال‌های گذشته و نیز سایر مراسم زرتشتی در تمامی کشورهای زرتشتی‌نشین، به خصوص در هند، کانادا، پاکستان، آمریکا، انگلیس و ایران، پاس داشته می‌شود. این سازمان اعلام داشت از دیگر کشورهایی که در مراسم پاس داشت چهارشنبه فرجامین سال شرکت می‌کنند سوئیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کشورهای اسکاندیناوی و نیز ژنو است. اینها مکان‌هایی هستند که پذیرای مهاجران یا پناهندگان ایرانی هستند و بدین جهت با سنت‌های ایرانی نیز آشنا شده‌اند.

سه شنبه شانزدهم مارس ۲۰۰۴، ایرانیان مقیم کانادا در ونکور کارنوال بزرگی برپا کردند و به شیوه‌ای که شهروندان لندن در شب ژانویه در «میدان ترافالگار» و در کنار «ساحل تیمز» جمع می‌شوند، ایرانیان نیز در میدان شهر گردهم آمدند، آتش روشن کردند و حضور خود در شهر را به نمایش گذاشتند.^(۳)

چهارشنبه‌سوری، در ژاپن نیز طرفدارانی دارد. طی سال‌های اخیر که تعداد مهاجران ایرانی در ژاپن رو به افزایش گذاشته، ایرانیان مقیم ژاپن به همراه خانواده‌های عمدتاً ژاپنی خویش، در جشن و سرور آتش‌بازی چهارشنبه‌سوری شرکت می‌کنند. همسایگان و دوستان ژاپنی این ایرانی‌ها معمولاً از هنگام غروب به میهمانی ایرانیان رفته و تا پاسی از شب، به آتش‌افروزی و آتش‌بازی مشغول می‌شوند (سلیمانی، ۱۳۸۲).

۱- گزارش بی بی سی در یکم آوریل ۲۰۰۴

http://www.bbc.co.uk/persian/arts/story/2004/04/040331_ag-g-norouz_in_paris.shtml

۲- بنای تأسیس این سازمان به سال ۱۹۸۰ برمی‌گردد. این سازمان، اکنون عمری ۲۴ ساله دارد. اداره مرکزی سازمان زرتشتیان جهان در لندن واقع شده است. اعضای هیات ریسه این سازمان و نیز اعضای شورای عمومی آن از میان ۳۷ کشور شناخته شده زرتشتی‌نشین انتخاب شده و در زمان‌های گوناگون - با اطلاعیه‌های رسمی یا غیررسمی - مسایل و رویدادهای مرتبط با جامعه زرتشتی را دنبال می‌کند.

۳- تصاویر این کارنوال در آدرس وب سایت خبری زیر وجود دارد:

http://www.vancouver.indymedia.org/news/2004/03/117355_comment.php#119185

مراسم نوروز امسال (۱۳۸۳) در آمستردام هلند نیز نسبت به سال‌های پیش، گسترده‌تر و به اشکال متفاوت‌تر برگزار شد. از جمله برنامه‌های نوروزی در این کشور برنامه «بنیاد آینده ایران»^(۱) بود. این برنامه شامل ترکیبی از برگزاری جشن سنتی نوروز و سخنرانی‌هایی در باره اوضاع سیاسی ایران بود. جمعیت شرکت‌کننده را تقریباً نیمی ایرانی و نیمی هلندی تشکیل می‌دادند. برگزارکنندگان برنامه، سنگ تمام گذاشتند و برنامه‌هایی از موزیک زنده و نمایش فیلم گرفته تا میزگرد و بحث به اجرا گذاشتند.^(۲)

امسال در اغلب شهرهای آمریکا نیز که ایرانیان حضور دارند، به خصوص در لس آنجلس مرکز اصلی ایرانی نشین در آمریکا و در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا، جشن‌های نوروزی برگزار شد. این برنامه‌ها سال‌هاست که در آمریکا عمومیت دارد. آنچه امسال در این کشور تازگی داشت، رژه و نمایش کارنوال نوروزی در خیابان‌های نیویورک بود که به دلیل وسعت و گستردگی آن، کم و بیش مورد توجه رسانه‌های غربی قرار گرفت.^(۳) «رادیو فردا» از آمریکا در باره این جشن چنین گزارش می‌کند: «شهر نیویورک با ۸ میلیون جمعیت از افزوده بر ۱۹۰ کشور دنیا، مرکز تجمع ملیت‌های گوناگون است، از پورتوریکویی‌ها، مکزیکی‌ها و هندی‌ها و پاکستانی‌ها گرفته تا چینی‌ها و ژاپنی‌ها. به همین سبب هفته‌ای نیست که مرکز شهر، خیابان پنجم و خیابان مدیسون روز تعطیل شنبه یا یکشنبه در اختیار یک گروه قومی یا میهنی قرار نگیرد تا برای نمایش سنت‌ها و غرور ملی خود، راهپیمایی‌ها و رژه‌های عظیم بر پا کنند. امروز (۲۷ مارس) برای نخستین بار، ایرانی‌ها هم به این جمع اضافه شدند، و با برگزاری جشن خیابانی و رژه در خیابان مدیسون نیویورک، حضور خود را به عنوان قوم و فرهنگ به مجموعه رنگارنگ قومی و نژادی همشهری‌های خود در نیویورک معرفی کردند. یک دسته ارکستر از پلیس نیویورک ترانه‌های ایرانی را برای رژه تنظیم کرده بود.»

برگزاری نوروز به شکل کارنوال پدیده‌ای است که به تازگی بین ایرانیان برون مرزی در حال

1- Iran Future

2- http://social.iran-emrooz.de/more.php?id=3905_0_19_0_M

۳- این مراسم دارای وب سایت دائمی است و نشان دهنده آن است که برگزارکنندگان آن در نظر دارند در سال‌های آینده نیز آن را ادامه دهند. در این وب سایت فیلم و تصاویری از مراسم وجود دارد: <http://www.persianparade.org>

رواج یافتن است. ایرانیان مقیم مونترآل کانادا امسال برای دومین سال متوالی در ۲۱ مارس، روز اول فروردین، در محوطه بزرگ پلاس دو گردهم آمدند و به شیوه جشن‌های کارنوالی اروپایی به شادی و سرور پرداختند. «برنامه‌ها به حدی متنوع و موسیقی به اندازه‌ای شاد بود که هیچکس برای یکی دو ساعت اول حتی سرمای هوا را هم احساس نمی‌کرد. با همان برف و باران مردم به کنار سفره هفت سین زیبایی که بر روی میزی در کنار محوطه چیده شده بود می‌آمدند و عکس می‌انداختند تا از دومین پاراد نرورزی ایرانیان مونترآل یادگاری داشته باشند. برخی دوستان غیرایرانی‌شان را هم آورده بودند و برایشان توضیح می‌دادند» (روشن، ۱۳۸۳). می‌توان با توجه به سهولت دستیابی به اطلاعات از طریق رسانه‌های الکترونیکی و اینترنت، انبوهی از گزارش‌های مربوط به برپایی جشن‌های نوروز در سراسر جهان ارایه کرد. از آنجا که هدف این مقاله، ارایه گزارش توصیفی صرف نیست، گزارش‌های ارایه شده برای طرح کردن و نشان دادن گستره جهانی نوروز در جهان امروز کفایت می‌کند. به منظور ارایه توصیفی دقیق تر از جزئیات برگزاری جشن‌های نوروزی در بیرون از مرزهای جهان ایرانی، در زیر به بررسی و شرح چگونگی برپایی جشن نوروز در بین ایرانیان مقیم بریتانیا می‌پردازیم.

نوروز در بریتانیا

همان طور که گفتیم در بریتانیا نیز مانند بسیاری از دیگر نقاط، جهان آیین‌های نوروزی سال‌هاست که برگزار می‌شود و هر سال نسبت به سال گذشته، گستردگی بیشتری پیدا می‌کند. در آخرین نوروز، یعنی بهار ۱۳۸۳، ایرانیان مقیم بریتانیا به اشکال مختلف نوروز را برپا داشتند. این آیین‌ها از نظر شکل و محتوا با آنچه در ایران انجام می‌شود، تفاوت‌هایی دارد. آیین‌های نوروزی در بین ایرانیان بریتانیا اساساً بیش از آنکه یک «فعالیت خانوادگی» باشد یک «فعالیت اجتماعی گروهی» است. به این معنا که کانون برگزاری جشن‌ها و مهمانی‌های نوروزی بیش از آنکه در «خانه» و حول محور شبکه خویشاوندی شکل گیرد، بیرون از خانه و حول محور گروه‌های اجتماعی مانند دوستان و گروه‌های فرهنگی و نیز در نهادهای اجتماعی بیرون از خانه و خانواده مانند دیسکوها، سالن‌های موسیقی، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی انجام می‌شود. اما با وجود جمعی بودن، ایرانیان برخلاف دیگر اقلیت‌های قومی ساکن بریتانیا جشن‌های سال نو را در محل‌های عمومی مانند چینی‌ها که منطقه

«چاینا تاون» در مرکز لندن را آذین می‌بندند و چراغانی می‌کنند، به صورت کارنوالی در خیابان‌ها انجام نمی‌دهند. به همین دلیل جشن سال نو ایرانی جلوه و ظهور عمومی چندانی در سیمای شهر لندن ندارد، مگر مختصر فعالیت‌هایی که فروشگاه‌های ایرانی انجام می‌دهند. نخستین نشانه‌های نوروز در بین ایرانیان مقیم بریتانیا در فروشگاه‌های ایرانی در لندن بروز می‌یابد که عمدتاً در خیابان‌های ایلینگ، شپردزبوش و کنزیگتون متمرکز هستند. این فروشگاه‌ها با عرضه «عیدانه»، میوه جات، ماهی قرمز، آجیل و تنقلات شب عید، مجلات و ویژه‌نامه‌ها و موسیقی‌ها و محصولات فرهنگی مخصوص نوروز، بوی بهار و عید را به لندن می‌آورند. فروشگاه‌های ایرانی به هنگام ماه رمضان نیز با عرضه خرما و زولوبیا و شیرینی‌های ایرانی و عرضه نوارهای مذهبی و برخی نیز با نصب پوسترهای مذهبی حال و هوای مذهبی پیدا می‌کنند. از این رو فروشگاه‌های ایرانی در لندن، به مثابه «نمایشگاه‌های دائمی» فرهنگ ایرانی هستند که با ارایه انواع کالاها، خوراکی‌ها، میوه‌ها، شیرینی‌ها و لوازم خانگی ایرانی، عملاً جلوه‌های مختلف اندیشه و به خصوص «شیوه زیست ایرانی» را عرضه و معرفی می‌کنند. در گفتگویی با «سوپر مازندران» در خیابان ایلینگ، فروشنده از این که فروشگاهش محلی برای معرفی فرهنگ ایرانی به مردم بریتانیا شده است احساس غرور و افتخار می‌کرد و می‌گفت: «ایرانی‌ها، به خصوص جوانان، وقتی می‌خواهند کشور ایران را به دوستان خارجی‌شان معرفی کنند آن‌ها را به فروشگاه ما می‌آورند. در اینجا از قلیان و کیسه حمام و سنگ پا گرفته تا لیموشیرین، باقلوا، لواشک و سماور و پلوپز برقی ایرانی و موسیقی‌های سنتی، همیشه وجود دارد. ما سعی می‌کنیم هر چیز ایرانی را تهیه کنیم و در فروشگاه بگذاریم تا مردم دنیا ببیند ایران سرزمین صنعت و هنر و زیبایی است.»

فروشگاه‌های «سوپر بهار»، «قنادی رضا» و «سوپر زمان» در خیابان کنزیگتون را می‌توان «موزه‌های ایرانی» نامید که نمادهای دینی، ملی و فرهنگ مدرن امروز ایران در آن دیده می‌شود. تابلوهای فارسی بزرگ با «خط نستعلیق» که بر روی آن نوشته شده است «مرکز فروش اجناس ایرانی» و مجموعه میوه‌ها و کالاهای ایرانی که مطابق سنت فروشگاه‌های ایرانی داخل کشور، در بیرون جلو در فروشگاه‌ها چیده شده‌اند، توجه عابران را به ایران جلب می‌کند. بر روی شیشه فروشگاه سوپر زمان، با تبلیغ «گوشت حلال» و دیگر اجناس ایرانی، می‌توان نمادهای بیشتری از ایرانی بودن را یافت. این فروشگاه‌ها معمولاً کالاهای فرهنگی و اقتصادی

ایرانی متناسب، نیازهای یک خانوار را عرضه می‌کنند و به مثابه کانون اجتماعی برای توزیع اخبار مربوط به ایرانیان و فعالیت‌های آن‌ها نیز هستند. برخی از این فروشگاه‌ها به صورت موسسه اجتماعی در مناسبت‌های فرهنگی، فعالیت‌های ویژه انجام می‌دهند. از جمله اینکه اغلب در چهارشنبه سوری در مقابل فروشگاه‌ها آتش روشن می‌کنند.

دومین جلوه عمومی نوروزی در لندن، حضور "حاجی فیروز" در خیابان کنزینگتون، مهم‌ترین منطقه ایرانی‌نشین لندن است. یک دو هفته به نوروز مانده بعد از ظهرها در خیابان کنزینگتون در مقابل فروشگاه‌های ایرانی (سوپر بهار، سوپر زمان و قنادی رضا) حاجی فیروز و رقصنده عرب با موسیقی بلند (ستتی لس آنجلسی) می‌رقصند. مردم به خصوص ایرانی‌ها نیز با تکان دادن دست و احوالپرسی به آن‌ها احترام می‌گذارند.

اما گسترده‌ترین شکل آیین‌های نوروزی ایرانیان بریتانیا جشن‌هایی است که "در سالن‌ها و فضاها بسته" انجام می‌شود. با توجه به تنوع و تفاوت‌های گسترده‌ای که از نظر قومی، مذهبی، زبانی، اجتماعی و سیاسی بین ایرانیان بریتانیا وجود دارد، این جشن‌ها و آیین‌ها نیز تا حدودی متفاوت هستند. اما مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر جشن‌ها و به طور کلی فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان مهاجر، ماهیت سیاسی و جهت‌گیری ایدئولوژیک گروه‌های مختلف است. از این منظر می‌توان دو گروه عمده را از هم متمایز ساخت. نخست، گروه اکثریت، یعنی گروهی که وابستگی، تعلق یا هم‌سو با گفتمان و حاکمیت جمهوری اسلامی ندارند و می‌توان آن‌ها را گروه‌ها سکولار نامید. این گروه نیز دارای گرایش‌های مختلفی هستند و برخی از آن‌ها مانند زردتشتیان اساساً نوروز را به مثابه آیینی مذهبی برگزار می‌کنند و برخی دیگر نیز تعلقات مذهبی دارند، اما قایل به قرائت سیاسی از اسلام نیستند و به اشکال مختلف، برگزاری نوروز را ماهیتاً نوعی فاصله گرفتن و جدایی از نظام سیاسی کنونی ایران می‌شناسند. برخی دیگر نیز دارای هدف و ماهیت سیاسی تعریف شده هستند. برای مثال "کانون ایرانیان" (فداییان اقلیت و چپ‌های غیر توده‌ای)، "جامعه ایرانیان" (نیروهای چپ و حزب توده) و "کانون ایران" (سلطنت طلبان) هر سال آیین‌های نوروزی برگزار می‌کنند. این جشن‌ها اغلب در ادامه فعالیت‌های سیاسی این گروه‌ها قرار دارد اگرچه در سال‌های اخیر به تدریج رنگ سیاسی این جشن‌ها کم‌تر شده و به ابعاد اجتماعی و سرگرمی آن بیشتر توجه می‌کنند.

در این زمینه برای مثال به "کانون ایران" اشاره می‌کنیم که از نظر سیاسی، تمایلات سلطنت

طلبانه دارند. کانون ایران، خود را از نظر رسمی «یک مؤسسه‌ی غیر سیاسی و غیر انتفاعی و صرفاً فرهنگی» می‌داند و «به عنوان یک نهاد خیریه، نزد سازمان خیریه انگلستان و ولز به ثبت رسیده است». این کانون هدف اصلی خود را «پاسداری از فرهنگ و هنر ایران» می‌داند و از همان بدو تاسیس در سال ۱۹۸۲، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی را در مرکز توجه خود قرار داد. از اینرو این کانون در ۱۹۸۴ اقدام به تاسیس آموزشگاه زبان فارسی کرد و هر سال «دربزرگاری آیین‌های ملی و سنتی و بزرگداشت سنت‌های ملی مانند نوروز، مهرگان، سده، یلدا، اهتمام می‌ورزد» (قاسمی، ۱۳۸۲).

دومین گروه برگزارکننده جشن‌ها و فعالیت‌های نوروزی، گروه‌های مذهبی هم سو با جمهوری اسلامی است. در این زمینه می‌توان به برنامه‌های «مرکز اسلامی لندن» هنگام تحویل سال، و «اردوی فرهنگی نوروزی» اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی اروپا اشاره کرد.^(۱) از نظر شکل، آن چه جشن‌های نوروزی این دو گروه را از هم متفاوت می‌کند، تاکید گروه‌های سکولار بر استفاده از رقص و موسیقی ایرانی شادی بخش بدون ملاحظه محدودیت‌های «شرعی یا فقهی» است، در حالی که گروه‌های مذهبی هم سو با جمهوری اسلامی، در چارچوب معیارهای پذیرفته شده حکومت ایران نوروز را جشن می‌گیرند. از نظر محتوا نیز تفاوت بارزی میان آن‌ها وجود دارد. در حالی که گروه‌های سکولار سیاسی، نوروز را موقعیت اجتماعی برای بیان خواسته‌های سیاسی خود در ابراز مخالفت یا انتقاد کردن از جمهوری اسلامی، می‌دانند، گروه‌های مذهبی هم سو با جمهوری اسلامی اغلب در پی تبلیغ و تبیین ارزش‌ها و گفتمان‌هایی هستند که در درون حکومت ایران پذیرفته شده است. اگرچه، باید این نکته را در نظر داشت که همه گروه‌های سکولار الزاماً فعالیت سیاسی نمی‌کنند. از این رو صرفاً گروه‌های سیاسی آن‌ها نوروز را موقعیتی برای بیان خواسته‌ها یا در جهت هدف‌های سیاسی خود به خدمت می‌گیرند.

این جشن‌ها را می‌توان بر مبنای موسسه یا نهاد برگزارکننده آن نیز به دو گروه عمده تقسیم کرد. گروه نخست، جشن‌هایی است که توسط بنیادها و نهادهای تحقیقاتی، آموزشی و فرهنگی

۱- نگارنده در این اردو شرکت داشته ام و در باره اردو سال ۱۳۸۲ گزارش سفرنامه ای با عنوان «سفرنامه نوروزی در گریب یارموت» نوشته ام که هنوز منتشر نشده است. در این گزارش، شرح دقیقی از شیوه برگزاری این اردو و مفهوم جشن نزد دانشجویان ارایه شده است.

مانند دانشگاه‌ها و موزه‌ها برگزار می‌شود. این جشن‌ها را عموماً نخبگان و تحصیلکردگان مدیریت و برگزاری می‌کنند و از این رو دارای محتوا و شکلی متناسب نیازها و اهداف خاص این گروه است. برای مثال "بنیاد میراث ایران"، "انجمن‌های دانشجویان ایرانی" در دانشگاه‌های مختلف، همه ساله جشن‌های نوروزی برگزار می‌کنند.

گروه دوم، جشن‌هایی است که توسط عامه مردم به منظور شادمانی، در سالن‌های موسیقی، دیسکوها و رستوران‌ها و هتل‌ها برگزار می‌شود. این جشن‌ها که معمولاً خوانندگان ترانه‌های پاپ، محور اصلی آن را تشکیل می‌دهند، همراه با مصرف انواع غذاها و نوشیدنی‌های ایرانی است. برنامه‌های طنز و نمایش فیلم و رقص‌های ایرانی نیز در این جشن‌ها عمومیت دارد.

یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های جشن‌های نوروزی ایرانیان در بریتانیا، تاکید بر استفاده از نمادهای سنتی است. برای مثال، در برنامه ویژه نوروز که "موزه بریتانیا"^(۱) در روزهای یازدهم تا سیزدهم فروردین ۱۳۸۳ در «صحن بزرگ»^(۲) موزه برگزار کرد، آیین‌های زورخانه، موسیقی‌ها و رقص‌های صوفیانه، رقص‌های محلی ایرانی مانند کردی، بلوچی، آذری، جنوبی و مازندرانی در کنار موسیقی کلاسیک ایرانی، سفره هفت سین، نقاشی ایرانی و خط نستعلیق ارایه شد. این برنامه که با استقبال گسترده ایرانیان و بسیاری از غیر ایرانیان رو به رو شد، نمایشی از تمام عناصر عرفانی، شیعی و ملی و محلی فرهنگ ایرانی بود. در برنامه جشن نوروزی که "مدرسه مطالعات شرق و آفریقا" دانشگاه لندن معروف به "سوآس" در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۲ برگزار کرد، نمایشی از عناصر و مولفه‌های سنتی و کلاسیک فرهنگ ایرانی مانند رقص‌ها و موسیقی‌های محلی، غذاها، شیرینی‌ها و لباس‌های سنتی ایرانی ارایه شد.

علت تاکید بر به کارگیری بیش تر و گسترده تر نمادهای سنتی ایرانی در این آیین‌ها، تلاش آگاهانه‌ای است که برگزارکنندگان این جشن‌ها برای آموزش و انتقال دادن فرهنگ و ارزش‌های ایرانی به جوانان ایرانی و نیز آشنا ساختن غیر ایرانیان با سنت و فرهنگ ایرانی انجام می‌دهند. جشن نوروزی سوآس، با حمایت مالی خانواده‌های ایرانی مقیم بریتانیا و اجرا و طراحی جوانان دانشجوی ایرانی در دانشگاه لندن برگزار شد. فرزند، مدیر بخش آموزش زبان فارسی

سوآس و خانم سرور داندن، مدیر مدرسه زبان فارسی «کالج ام تی او»^(۱) به مسوولیت برگزاری جشن نوروز در این مدرسه را عهده دار بودند، هدف‌ها و کارکردهای این جشن را چنین بیان می‌کنند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان: برپایی جشن نوروز با موسیقی‌ها، رقص‌ها، شعرخوانی، لباس‌ها و غذاها و شیرینی‌های سنتی ایرانی نوعی به تصویر کشیدن^(۲) و آرایه زنده فرهنگ و تاریخ ایران است. این امر نه تنها از نظر معرفی فرهنگ ایرانی به دیگران بلکه از نظر روش تدریس فرهنگ و زبان فارسی و ایرانی به دانشجویانی ایرانی و غیر ایرانی اهمیت دارد. از آن جا که دانشجویان برای شعرخوانی و اجرای موسیقی ایرانی، ناگزیرند ادبیات فارسی و متون کلاسیک را بخوانند و عمیقاً بیاموزند، برپایی جشن نوروزی، موقعیت مناسبی برای پی‌گیری هدف‌های آموزشی و دانشگاهی دپارتمان آموزش فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان به شمار می‌آید.

از آن جا که سوآس، موسسه بین‌المللی در زمینه مطالعات آفریقا و خاورمیانه است، کشورهای آفریقایی و عرب، حضور گسترده‌ای از نظر اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در این مدرسه دارند. این امر باعث توجه بیش‌تر دانشگاهیان به آن‌ها می‌شود. اما سهم ایرانی‌ها بسیار کم‌تر است. برپایی جشن نوروز باعث تحکیم موقعیت فرهنگ و مطالعات ایرانی در این مدرسه می‌شود.

خانواده‌های دانشجویان ایرانی علاقه‌مندند که فرزندان خود را به شیوه ایرانی تربیت کنند. آن‌ها مایلند با برگزاری این گونه آیین‌ها به نیازهای مختلف تفریحی، تربیتی و هویتی فرزندان‌شان به روش موردپسند ایرانی پاسخ دهند و از رفتن آنان به کلوب‌های انگلیسی جلوگیری کنند.

خانواده‌های ایرانی تمایل دارند پیوندهای اجتماعی بین فرزندان خود و ایرانی‌ها را از طریق برگزاری و مشارکت در این جشن‌ها گسترش دهند. از این رو، جشن نوعی محل تعامل و تحکیم پیوندهای اجتماعی برای آنان است. برای ایرانیانی که در داخل زندگی می‌کنند تمام سرزمین ایران محل پیوند است اما برای مهاجران باید موقعیت‌های ویژه‌ای برای تعامل با هم‌وطنان

فراهم ساخت. جشن و مراسم و آیین‌های فرهنگی ایرانی در دانشگاه و موسسات فرهنگی، چنین هدفی را دنبال می‌کنند.

فرهنگ ایرانی، مشترکات زیادی با فرهنگ‌های دیگر دارد. از طریق ارایه فرهنگ و سنت ایرانی در این جشن‌ها به اقوام و ملت‌های دیگر ضمن نشان دادن تمایزهای فرهنگی، بر مشترکات فرهنگی خود تاکید می‌کنیم.^(۱)

این نکات در باره جشن نوروز در "موزه بریتانیا" نیز کم و بیش صد می‌کند با زیرا هدف این موزه که اساساً موزه فرهنگ‌های جهان نام دارد، گسترش و معرفی فرهنگ‌های بزرگ جهان مانند فرهنگ چینی، هندی، مصر، آمریکای لاتین، ترک، اسلام و ایران است. از ایترو سالن‌ها و بخش‌های مختلف آن بر اساس فرهنگ‌های جهانی نام گذاری شده است. برگزاری جشن نوروز در موزه بریتانیا نوعی معرفی ایرانی به جهانیان و نسل‌های جوان ایرانیان مقیم بریتانیا است. به همین دلیل، در این موزه نیز اساساً بر چیزهای توجه و تاکید شده بود که "ایرانی" و معرف و نماد فرهنگ ایرانی بود.

ویژگی اساسی دیگر نوروز ایرانیان در بریتانیا و به طور کلی ایرانیان برون مرزی، فهم سکولار مهاجران از این جشن است. بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که اگرچه مهاجران ایرانی اغلب مسلمان هستند و در بین آن‌ها اجرای سنت‌های آیین‌های دینی مانند نذورات، سفره‌های مذهبی، نیایش کردن و به خصوص گرایش‌های عرفانی و تصوف رواج دارد (عادلخواه، ۲۰۰۴: فاضلی، ۲۰۰۴)، اما همان طور که گفتیم غالباً (جز یک اقلیت معدود) فهم سکولار و لیبرالی به معنای دقیق آن را از دین دارند و دین را صرفاً مقوله فردی می‌دانند که از عرصه سیاست و زندگی اجتماعی متمایز است (Ansari, 1988؛ Naficy, 1993؛ Hosseini-Kaladjahi, 1997). بر این اساس، نوروز را بیش از هر چیز نمادی از هویت ملی و باستانی قبل از اسلام ایرانیان می‌شناسد که نسبتی با اسلام و تشیع ندارد. ایرانیانی که در مراسم موزه بریتانیا و مدرسه سوآس شرکت کرده بودند، این نکته را به صراحت بیان می‌کردند که نوروز برای آن‌ها جشنی کاملاً غیر مذهبی است که نسبتی با دین آن‌ها ندارد. حتی تعلق نوروز به دوره ایران باستان و زرتشت را به معنای مذهبی بودن جشن نوروز در قبل از اسلام نمی‌دانستند. در حالی که می‌دانیم نوروز حتی

در دوره‌های اولیه آیینی، جنبه مذهبی داشته است. دکتر مهرداد بهار در کتاب از "اسطوره تا تاریخ" در این زمینه که نوروز در عصر جمشید و داریوش مناسک دینی بوده است می‌گوید که تخت جمشید پایتخت هخامنشیان نبوده، بلکه یک مرکز روحانی و دینی بوده است که در روز عید، گروه‌های مختلف مردم، هدایا و کالاهای خود را نزد شاه، یعنی نماینده اهورامزدا می‌بردند تا اهورامزدا به آن‌ها برکت دهد و تولیدات کشاورزی آن‌ها در کشور زیاد شود. این موضوع از حجاری‌های موجود در تخت جمشید کاملاً پیداست (۱۳۷۶: ۲۷۶).

تلقی سکولار از نوروز، نوعی ضرورت اجتماعی برگزاری اینگونه آیین‌ها برای ایرانیان برون مرز نیز محسوب می‌شود، زیرا در صورت "مذهبی کردن" این آیین‌ها با چالش‌های سیاسی مواجه می‌شوند که هم مشارکت مهاجران در جشن را کاهش می‌دهد و هم ممکن است مشکلاتی از نظر اجتماعی و سیاسی با جامعه میزبان پیدا کنند. از این رو برای مثال، مهاجران ایرانی کانادا در جشن امسال خود تلاش داشتند از شایبه مذهبی بودن جشن اجتناب کنند زیرا «از همان ابتدا که از گروه‌ها و افراد مختلف دعوت کرده بودند در کارناوال مشارکت کنند، اساساً بر این گذاشتند که عید نوروز متعلق به همه است و باید کاری کرد که مردم بدون نگرانی از اختلافات سیاسی و مذهبی بیایند. در ادامه همین سیاست بود که برخلاف میل قلبی برخی از اعضا، حتی کمک سازمان‌های مذهبی برای برگزاری نوروز رد شده بود. به یک دلیل ساده که بعد می‌بایست نام آن‌ها جزو اسپانسرها گذاشته شود و شایبه تبلیغ مذهبی به وجود می‌آمد» (روشن، ۱۳۸۳).

علی‌رغم فهم سکولار یا غیرمذهبی که اغلب ایرانیان بریتانیایی از نوروز دارند، کاربردهای نمادهای دینی مانند خواندن شعرهای عرفانی و صوفیانه از شعرای کلاسیکی مانند حافظ و مولانا و نیز استفاده از قرآن در سفره هفت سین (مانند سفره هفت سین مراسم موزه بریتانیا) و نمادهای دیگر، مثل آیین‌های زورخانه^(۱) همچنان در بین مهاجران، گاه به شیوه ناخودآگاه که

۱- اهمیت زورخانه برای مهاجران ایرانی تا آن پایه است که تنها ورزشگاه اختصاصی ایرانیان در لندن، یک زورخانه است. اعضای همین زورخانه در موزه بریتانیا آیین‌های پهلوانی اجرا کردند. در رژه ایرانیان در نیویورک نیز نمادهای زورخانه نمایش داده شده بود. در عکس‌های مراسم در وب‌سایت "پرشین پرید" عکس فردی با لباس پهلوانی دیده می‌شود. به آدرس زیر مراجعه شود.

ناشی از آمیختگی تشیع و فرهنگ ملی ایرانی است رواج دارد. به عبارتی، ایرانی بودن و مسلمان بودن در این جشن‌ها عموماً برای مهاجران (منهای مهاجران ایرانی غیر مسلمان) دو وجه مکمل هم محسوب می‌شوند؛ اگرچه قرائت آن‌ها از دین قرائتی، فردگرایانه و برای اقلیتی نیز کاملاً سنتی است و اساساً توجهی به در نظر گرفتن ملاحظات شرعی ندارند.

نوروز، مهاجران، مدرنیته و جهانی شدن

برگزاری نوروز در بریتانیا و سراسر اروپا و آمریکا در هیچ برحه‌ای بعد از دوره باستان تاکنون سابقه نداشته است. همان‌طور که گفتیم این پرسش وجود دارد که چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟ سه دسته عوامل برای تبیین حفظ و گسترش نوروز در جهان مدرن و به خصوص گسترش آن در کشورهای غربی می‌توان در نظر گرفت. اول، ویژگی نوروز و قابلیت سازگاری این جشن با دنیای مدرن است. دوم، شرایط مهاجران ایرانی و نیازهای آنان، به خصوص نیاز به هویت یابی است. سوم، ویژگی چندفرهنگی و دموکراتیک بودن جوامع غربی است که اجازه انجام فعالیت‌های فرهنگی به اقوام مختلف در درون خود را می‌دهد. در زیر، این عوامل را مختصراً بررسی می‌کنیم.

سازگاری نوروز و مدرنیته

از میان انبوه جشن و آیین‌های ملی و محلی ایران باستان، تنها اندکی برجای مانده که بدون تردید برجسته‌ترین آن‌ها نوروز است. همان‌طور که گفتیم، ماهیت اجتماعی نوروز به گونه‌ای است که قابلیت سازگاری با شرایط مختلف از جمله دنیای مدرن را دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان چند خصوصیت عقلانیت، دموکراتیک بودن، هم‌سویی با ارزش‌های مصرف‌گرایانه نظام سرمایه‌داری، عدم ناسازگاری با ارزش‌های کلی اخلا انسانی و انسان‌گرایی را نام برد. در زیر، این ویژگی‌ها مختصراً اشاره شده است.

نوروز با اخلاقیات مدرنیته، مشتمل بر بسط روحیه تساهل و تسامح، احترام به حقوق انسان‌ها، حفظ محیط زیست و تکریم طبیعت، برابری و مساوات، نفی تبعیض نژادی، جنسی و قومی، تلاش برای شکوفایی استعدادها و توسعه گفتگو میان انسان‌ها، سازگار است. مزداپور، یکی از اسطوره‌شناسان ایرانی، در این زمینه می‌نویسد: «در این جشن بهاری آیین‌ها و

رسم‌های بسیاری هست که با هدف آشتی میان افراد و نیز همراهی و همپایی فرهنگ‌های اقوام گوناگون با باورها و عقاید مختلف سازگاری تام دارد و آمادگی آن برای جهانی بودن و عالمگیر گشتن به چشم می‌خورد. در بنیاد اجزای سازنده مراسم عید نوروز ایرانی، تساهل و آشتی و صفایی همگانی هست که در هر زمان که ملت ایران از آن برخوردار شد و بر آن تکیه زد، رونق و ترقی و تعالی فرهنگی و اقتدار ملی و توانگری اقتصادی را به ارمغان دریافت داشت» (مزداپور، ۱۳۸۳).

نوروز یک آیین عقلانی هم به شمار می‌آید. بسیاری از آیین‌های قومی و تاریخی که ریشه باستانی دارند، بر پایه منطق اسطوره‌ای، یا متافیزیکی هستند که انسان به کمک عقل سلیم یا معرته عامه نمی‌تواند منطق، فایده و علل وجودی آن‌ها را درک و شناسایی کند. اما نوروز که بر اساس گردش سال و تحول در طبیعت، استوار است و همگان بر درستی و ضرورت آن اتفاقاً نظر دارند، یک آیین عقلانی شناخته می‌شود. این عقلانیت باعث می‌شود انسان مدرن، حتی آن‌ها که کم‌ترین اعتقادی به متافیزیک و باورهای سنتی ندارند، به راحتی آن را بپذیرند. مهاجران ایرانی، جدای از نیازهای هویت جویانه و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی نوروز، عقلا نیز این جشن را مغایر با شرایط زندگی شان در جامعه صنعتی غرب نمی‌بینند.

افزون بر این، نوروز آیینی دموکراتیک است. بر خلاف نوروز باستانی که بر اساس نظم طبقاتی جامعه عصر قبل از اسلام شکل گرفته بود و در خدمت حاکمیت بود، امروزه، نوروز آیینی دموکراتیک و نماد عدالت و مساوات طلبی در تفکر و روحیه ایرانی است. زیرا امروز دیگر نوروز مانند دوران باستان به دو بخش "نوروز عامه" برای عوام و "نوروز خاصه" برای طبقات برتر و خواص تقسیم نمی‌شود، بلکه تمام مردم از هر صنف و گروهی که باشند در جشن نوروز شرکت می‌کنند و منافع هیچ گروه خاصی تامين ی تهدید نمی‌شود. نوروز امروز در خدمت حاکمیت و فرمانروایان خاص نیست، بلکه این حاکمان هستند که ناگزیرند به منظور نشان دادن روح ملی و همبستگی ملی خود، به نحو خاصی به مردم هدایا و پاداش عید بدهند. در نتیجه ایرانیان، اعم از مهاجر و غیر مهاجر، نوروز را آیینی مدنی و دموکراتیک می‌شناسند که باعث تقویت حس همبستگی اجتماعی و قدرت بیش تر آن‌ها در مقابل نیروهایی می‌شود که به هر ترتیب درصدد اعمال سلطه بر فردیت آن‌ها.

همان گونه که گفتیم، نوروز با ارزش‌های نظام سرمایه داری، و اقتصاد بازار هماهنگ است.

امروز اقتصاد سرمایه داری و ارزش‌های آن تا حدودی همه گیر و جهانی شده‌اند. در نظام سرمایه داری ایدیولوژی مصرف‌گرایی یکی از بنیادهای اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا تولیدات انبوه کارخانجات، لاجرم به صورت انبوه مصرف می‌شوند تا چرخ تولید در گردش بماند. نوروز فضایی برای به گردش آوردن و تند کردن چرخ تولید و مصرف است. این امر اگرچه در داخل ایران هم صاد است اما در جوامع غربی به دلیل هم‌سویی کامل با ارزش‌های جامعه میزبان، برجستگی بیش تری دارد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوروز، نقش آن در ایجاد فضای اجتماعی برای شادی کردن است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های دوران مدرن، مفهوم اوقات فراغت و سرگرمی و تفریح است. به تعبیری، تمدن امروزی را عصر سرگرمی نامیده‌اند. رسانه و ابزارهای فرهنگی امروز بر مبنای ایجاد سرگرمی برای عموم مردم سامان یافته‌اند. در این فضای اجتماعی، نوروز به یک نیاز مه، به روش سنتی و بومی پاسخ می‌دهد. با توجه به غلبه فرهنگ عامه پسند در جامعه غربی، کارکرد سرگرمی‌سازی نوروز نیز بسیار اهمیت دارد؛ زیرا به کمک نوروز، ایرانیان مهاجر، به روش بومی نیاز خود به فرهنگ عامه پسند و سرگرمی را تامین می‌کنند و ارزش‌های عامه پسند را به کمک نوروز، بومی کرده و به فرزندان خود منتقل می‌کنند.

نوروز و نیاز هویتی مهاجران

بخشی از کارکردهای نوروز برای مهاجران ایرانی، جنبه اجتماعی دارد و به موقعیت مهاجر بودن آن‌ها مرتبط است. نوروز برای مهاجران اعم از ایرانی، افغانی و کرد، به منزله یک "رسانه اجتماعی" است که مهاجران از طریق آن، فرهنگ و هویت خود را معرفی می‌کنند و از این رهگذر، به تثبیت هویت و جایگاه خود در کشور میزبان می‌پردازند. در اینجا نیز نوروز از ابعاد سیاسی جدا نیست زیرا مهاجران به منزله یک اقلیت همواره در چالش قدرت آشکار یا پنهان با اکثریت هستند. نه تنها نوروز، بلکه تمام آیین‌های فرهنگی که مهاجران و "جمعیت‌های دور از وطن"^(۱) "تبعیدی" برگزار می‌کنند. نوعی "بر ساخته اجتماعی نمادین"^(۲) به منظور شکل

بخشیدن به "خود"^(۱) در برابر "دیگری"^(۲) است. بر این اساس، آیین نوروز، نوعی دیالوگ و گفتگوی فرهنگی میان مهاجران ایرانی، و به منزله یک "اجتماع"^(۳) با جامعه‌ای است که در آن میهمان هستند و از طریق آن نشان می‌دهند که حاضر به هضم شدن یا "استحاله فرهنگی" در درون جامعه دیگر نیستند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که مهاجران کشورهای در حال توسعه ساکن در کشورهای توسعه یافته غربی، اغلب به جای "شبیه سازی فرهنگی"^(۴) یعنی تقلید و تبعیت صرف از فرهنگ جامعه غرب بر راهبرد "پیوستگی اجتماعی" با جامعه میزبان تاکید می‌کنند و مایل به هضم شدن در فرهنگ غرب نیستند (Berry, 1991: 10).

از این منظر، می‌توان گفت نوروز و مجموعه فعالیت‌های فرهنگی که مهاجران انجام می‌دهند، اغلب تلاشی برای شکل بخشیدن به چیزی است که ویکتور ترنر آن را "اجتماع نمادین"^(۵) می‌نامد، تا از طریق آن بتوانند هم همبستگی اجتماعی درون گروهی خود را به منزله یک اقلیت حفظ کنند و به حمایت اجتماعی یکدیگر پردازند و هم به هویت اجتماعی شان بر پایه مجموعه "میراث معنوی" یا به تعبیر پیربورديو "سرمایه‌های فرهنگی" که از وطن و زادگاه‌هاشان به ارث برده اند، شکل بخشند. از این رو، نوروز را می‌توان از پایه‌های اصلی "اجتماع ایرانی‌ها" در بیرون مرزها و سرزمین زادگاه شان دانست که از طریق آن ایرانیان مهاجر به تعریف و شکل بخشیدن هویت جمعی در محیطی تازه و متفاوت می‌پردازند. نکته‌ای که نباید در این زمینه از خاطر دور داشت آن است که اگرچه نوروز برای ایرانیان مهاجر، حکم یک "خاطره جمعی" از گذشته تاریخی را دارد. به منزله نوعی مقاومت فرهنگی برای پرهیز از استحاله فرهنگی در مقابل جامعه میزبان که جامعه‌ای مدرن است محسوب می‌شود، اما همان طور که گفتیم، فرایندهای مهاجرت و زیستن در جامعه دیگر و داشتن آزادی برگزاری چنین آیین های فرهنگی و حفظ هویت خود توسط مهاجران، تماماً حاصل دنیای مدرن، و مدرنیته اند و مفهوم هویت در دنیای مدرن معنایی برگرفته از شرایط مدرن دارد که در بخش پایانی به توضیح آن خواهیم پرداخت.

1- the self

2- the other

3- community

4- cultural assimilation

5- symbolic community

نوروز و چندفرهنگی شدن جهان غرب:

همان طور که گفتیم، بخشی از علل توسعه و گسترش نوروز به ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورهای مدرن و شرایط دنیای امروز باز می‌گردد. گسترش جهانی نوروز، مبین، محصول و یکی از شاخصه‌های مهم وضعیت فرهنگی جهان امروز است؛ جهانی که به شدت تحت تاثیر فرایندهای جهانی شدن، "چند فرهنگی شدن"^(۱) و ارتباطات گسترده‌تر، مهاجرت و جابجایی بیشتر جمعیت‌های انسانی (Appadurai, 2000)، "مجازی شدن"^(۲)، رسانه‌ای شدن^(۳) (Thompson, 1990)، افزایش سلطه و نفوذ روند مردمی شدن به سلطه و نفوذ بیش‌تر عامه‌پسندی^(۴) (Chaney, 1994)، دموکراتیک‌تر شدن، کاپیتالیستی شدن یا افزایش سلطه قوانین اقتصاد بازار، رقابت آزاد و نظام سرمایه داری (Friedman, 1994) و بسیاری فرایندهای دیگر با جهان گذشته هر روز فاصله اش را بیشتر می‌کند. اما این جهان در عین حال، تناقض آسانمایی به گذشته باز می‌گردد و از راه آن تغذیه می‌کند. داریوش شایگان در «افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار» (۱۳۸۰) این نکته را چنین توصیف می‌کند:

با این حال از هر سو صداهایی دیگر بر می‌خیزند که در برابر تحکم این ارزش‌های در مجموع بازاری سر خم نمی‌کنند، میراث گذشته را می‌طلبند، از هویت‌های از یاد رفته احقا حق می‌کنند و خواستار حیات دوباره رویاهایی اند که در زیر خاک نظام جهانی مدفون گشته اند... این صداها همه ستایشگر تمایزند (شایگان، ۱۳۸۰: ۵۰).

همان گونه که گفتیم، ایرانیان تلاش می‌کنند تا به کمک برپایی آیین‌های فرهنگی، به حفظ و تقویت هویت و در نهایت انسجام اجتماع قومی‌شان در سرزمین میزبان بپردازند. این گونه اجتماعات قومی در جامعه جهانی امروزه رو به گسترش است. جerald دلانتی در کتاب «اجتماع» (۲۰۰۳) این گونه اجتماعات را «اجتماعات فراملیتی»^(۵) می‌نامد و «اجتماع فراملیتی» را یکی از انواع «اجتماعات جهانی»^(۶) می‌داند که در نتیجه گسترش مهاجرت‌ها پدید آمده است. دلانتی استدلال می‌کند که اجتماعات فراملیتی اگرچه در بستری جهانی شکل می‌گیرند و زندگی می‌کنند، اما دارای بنیان‌های محلی هستند و در عین حال، ترکیبی چندرنگه دارند

1- multiculturalization

2- virtualization

3- mediasation

4- popularization

5- transnational community

6- world community

(Delanty, 2003: 158) به اعتقاد دلانتی: «اجتماعات فراملیتی در سیاست تازه تفاوت دامن زدن و به تفاوت فرهنگی میان "خود قومی" و "دیگری" جریان‌های نوینی از خودآگاهی حول محور آرمانی که باعث ترک وطن شده است شکل می‌دهند. این اجتماعات اغلب یک "خاطره جمعی" (۱) از گذشته را برای شکل بخشیدن به "وجدان جمعی" (۲) به خدمت می‌گیرند.

یکی از نکات اساسی در باره شکل‌گیری این اجتماعات قومی، شرایط و سیاست‌گذاری‌های کشورهای غربی است که به دلایل و علل گوناگون، امکان ظهور اجتماعات قومی در این کشورها را فراهم کرده است. کشورهای غربی اساساً در دهه اخیر، سیاست "چندفرهنگی شدن" را در برخورد با مهاجران اتخاذ کرده و مطابق آن به مهاجران اجازه فعالیت‌های فرهنگی بر اساس آن، الگوهای هویتی و بومی‌شان را می‌دهند. در این زمینه بریتانیا مشخصاً سیاست بازتری اتخاذ کرده است.

زینگر در یک بررسی درباره سیاست کشورهای اروپایی نسبت به مهاجران می‌نویسد در اروپای غربی عموماً سه مدل واکنش نسبت به مهاجران وجود دارد. نخست، "مدل کارگران مهمان"، که به مهاجران به منزله نیروی کار ارزان نگرسته می‌شود و جامعه میزبان، ضرورتی به ادغام آن‌ها در جامعه خود نمی‌بیند؛ زیرا آن‌ها را موقتی می‌داند. آلمان، اتریش و سوئیس، نمونه این کشورها هستند. دوم، "مدل همگون‌سازی" که درصدد ادغام کامل مهاجران در جامعه به کمک نظام حقوقی است. فرانسه نمونه این کشورهاست. مدل سوم، "مدل اقلیت‌های قومی" است. مهاجران در این مدل «برای حفظ فرهنگ خاص خود، با هیچ دشواری رو به رو نمی‌شوند. این مدل می‌تواند خود را کاملاً با تفاوت‌های فرهنگی منطبق سازد. داشتن هویت فرهنگی گوناگون یکی از عناصر مهم و مشخصه مهاجران به شمار می‌رود؛ کشور میزبان شرایطی فراهم می‌کند تا مهاجران بتوانند این گوناگونی را حفظ کنند. غالب کشورهای اروپایی از جمله بریتانیا این مدل را پذیرفته‌اند (زینگر، ۱۳۷۶: ۴۱-۴۳).

نکته قابل توجه در باره سیاست‌های کشورهای اروپایی درباره مهاجران این است که اگرچه در مدل "کارگران مهمان" و مدل "همگون‌سازی"، تلاش دولت‌ها بر جلوگیری یا محدودسازی

مهاجران از بسط و تثبیت فرهنگ بومی مهاجران به کشورشان است، اما تجربه و واقعیت حکایت از این می‌کند که مهاجران در جهت تثبیت شکلی از هویت فرهنگ بومی خود عمل و اقدام کرده‌اند و هرگز در درون فرهنگ جامعه میزبان مستحیل نشده‌اند. نمونه آشکار آن مقاومت برخی گروه‌های زنان مسلمان فرانسه در مقابل قانون منع پوشش اسلامی در مدارس این کشور در سال ۲۰۰۳ بود.

گسترش روند حضور مهاجران و اقلیت‌های قومی و فرهنگ‌های آن‌ها باعث پدیده‌ای شده است که جامعه‌شناسان آن را «جهانی شدن معکوس» و انسان‌شناسان «حاشیه‌ای شدن»^(۱) مرکز - یعنی کشورهای غربی می‌نامند (Inda and Rosaldo, 2002: 6). همین امر باعث مخالفت برخی نظریه پردازان با سیاست چند فرهنگی شدن کشورهای غربی شده است. به عقیده این گروه «اگر هر دستاوردی هم که تعدد فرهنگ‌ها در غرب داشته باشد - حال چه از نظر رشد اقتصادی یا حتی وسعت تجربه فرهنگی در غرب - با این حال بسیاری چیزها نیز از دست رفته است یا در حال از دست رفتن می‌باشد. حداقل این که فرهنگ‌های ملی کشورهای بزرگ غربی - یعنی ساختارهای عمیق آن‌ها در مورد ایدیولوژی، سلیقه و زیبایی شناسی - وقتی که مردم جدید با پیش فرض‌های جدید، می‌خواهند که تصور و درک آن‌ها از جهان نیز در نظر گرفته شود تغییر می‌کنند» (ریف، ۱۳۸۳).

جاناتان فریدمن در کتاب برجسته اش «هویت فرهنگی و فرایندهای جهانی» (۱۹۹۴) که امروزه به منزله متن کلاسیک در ادبیات انسان‌شناسی مباحث جهانی شدن به آن رجوع می‌شود، استدلال می‌کند که همان‌طور که مهاجران در غرب در حال تقویت هویت و انسجام خودشان هستند، جامعه میزبان آن‌ها نیز بیش از هر زمان دیگر نسبت به هویت قومی و فرهنگی اش در حال آگاه شدن است و وضعیت «قومی بودن» به خود می‌گیرد. بخشی از این وضعیت به صورت رفتارهای نژادپرستانه علیه مهاجران بروز یافته است (Friedman, 1994: 238). به اعتقاد فریدمن، چندفرهنگی شدن و حضور گسترده مهاجران، پدیده‌ای به نام «قومی شدن»^(۲) ایجاد کرده است. قومی شدن یک فرایند جهانی قدرت مند است که موجب «ایدیولوژی‌های چندفرهنگی» است؛ ایدیولوژی‌هایی که در غرب در میان اقلیت‌های مهاجر،

گروه‌های محلی و اقوام بومی شکل گرفته است و به هویت فرهنگی آن‌ها بُعد سیاسی قوی می‌بخشد. قومی شدن سقوط هژمونی مدل هویت مرکز و مدرنیسم آن است. فریدمن این پدیده را "هژمون زدایی"^(۱) از "عرصه جهانی" می‌نامد (ibid. 239).

نوروز و مدرنیته: یک نظریه و نتیجه کلی

در این مقاله تلاش کردیم ضمن ارائه گزارشی از گسترش روند برپایی جشن‌های نوروزی در آمریکا، اروپا و به خصوص بریتانیا، به بررسی علل و کارکردهای این پدیده بپردازیم. مهم‌ترین پاسخی که به این پرسش دادیم، تبیین نوروز در پرتو شرایط مدرن و نظریه‌های مدرنیته بود. استدلال ما این بود که نوروز از یک سو قابلیت سازگاری با ویژگی‌های دنیای مدرن را دارد و مورد پذیرش دنیای امروز قرار می‌گیرد، و از سوی دیگر، دنیای مدرن نیز زمینه گسترش فرهنگ‌های قومی را در سطح جهانی فراهم کرده است. مهاجران به منزله پاره‌ای از دنیای مدرن، هم محصول جهانی شدن و هم عامل آن هستند. از این رو، مهاجران، متناسب با پاسخ‌گویی به نیازهای خود و شرایط مدرن، اقدام به بسط فرهنگ‌های قومی خود می‌کنند. نشان دادیم نوروز به نیازهای گوناگون مهاجران ایرانی در زمینه فرایندهای فرهنگ‌یابی، هویت‌جویی و ارتباطات اجتماعی پاسخ می‌دهد.

همان‌طور که گفتیم، مهم‌ترین این نیازها پاسخ‌گویی به پرسش هویت در فضای مدرن است. انسان امروز، همیشه مسافر است و نوروز، رسانه‌ای ارتباطی برای گفتگو میان انسان مسافر امروز با تاریخ و سرزمین خود است. یکی از مهم‌ترین تحولات دوره مدرن، کم‌رنگ شدن نقش مکان یا "سرزمین زدایی" در زندگی ما است. در جهان سنتی، انسان در دهکده، محله یا شهری به دنیا می‌آید و تا پایان عمر در آن مکان زندگی می‌کند و در طول زندگی خود نیز به چند نقطه دور یا نزدیک احیاناً سفر می‌کند. اما امروزه انسان‌ها در وضعیت سیال زندگی می‌کنند، یعنی کمتر کسی می‌توان یافت که در همان محلی که زاده و تربیت شده است، اقامت دائم داشته باشد. به تعبیر زیگموند بومن، انسان مدرن، زاپری همیشگی است (Bauman, 2000: 18). نتیجه این وضعیت آن است که افراد، دیگر از طریق زیستن در زادگاه کسب هویت اجتماعی

نمی‌کنند، بلکه ساز و کارهای دیگری باید این مقوله را جبران کند. یکی از این ساز و کارها آیین‌ها و سنت‌های ملی است. این آیین‌ها به ما این امکان را می‌دهند که در هر نقطه‌ای از جهان که هستیم، احساس پیوند با سرزمین مادری و زادگاه و وطن را در خود ایجاد کنیم. اگرچه این امر، تخیلی بیش نیست و اندک غور در آن نشان می‌دهد هویت خلق شده تخیلی بسیار دستکاری شده است.

از سوی دیگر، از آنجا که اکثریت مردم در زادگاه اولیه خود نیستند، هرکس به نوعی در غربت زندگی می‌کند، یعنی در وضعیتی که در مقابل اکثریت، او عضو یک گروه اقلیت است. از این نگاه، نه تنها ایرانیان مقیم بریتانیا و آمریکا، بلکه آذربایجانی‌ها و کردستانی‌های مقیم تهران هم در دیار غربت هستند؛ زیرا هر دو البته با نسبت‌های متفاوت، دور از محیط فرهنگی محلی خود زندگی می‌کنند. این فضای "زیست‌غریبانه" و احساس تعلق به اقلیت، ما را به سوی وجوه نمادین فرهنگ قومی، ملی و قبیله‌ای می‌کشاند تا از حالت تنهایی، ضعف و گاهی ترس از محیط، رهایی یابیم. آیین‌ها و مناسک قومی به همین دلیل در سطح جهانی در حال رونق گرفتن مجدد هستند. از این رو، بر خلاف جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ‌گرایی بیشتری به سوی نوع خاصی از محلی شدن میل دارد. نورو، بالاترین قابلیت را برای تقویت حس هویت ما دارد، اما هویت در فضای مدرن، نه سنتی و تاریخی آن.

امروز در پرتو تحولات دوره مدرن و فرایندهای جهانی شدن، آیین‌های نروزی موزه‌ای هستند که "انسان ایرانی" به بازدید آن می‌رود تا از "سرمایه فرهنگی" (۱) تاریخی‌اش قویت و باز تفسیری مناسب شرایط زیست مدرن امروز خود ارایه کند. او از این راه در تقلائی شکل بخشیدن به هویت خود است، اما در عین حال می‌داند «کسی که در روزگار مدرن زندگی می‌کند، نمی‌تواند به هویت سنتی‌ای پناه ببرد، این هویت دیگر وجود ندارد؛ بل باید بر اساس تأویل‌هایی از هویت تاریخی که خود براساس تأویل‌هایی از هویت تاریخی شده، ساخته شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۰).

نوروز پدیده‌ای تاریخی است و جایگاهی موزه‌ای برای فرهنگ ایران دارد، اما موزه‌ای زنده که اشیاءش توسط بازدیدکنندگان به کمک موادی که از معدن تاریخ بیرون آمده‌اند، ساخته

و تفسیر می‌شوند. اساساً تمام آنچه انسان مدرن (و از جمله انسان امروز ایرانی) از سنت و تاریخ به خدمت می‌گیرد، تلاشی نه برای "بازگشت به ریشه‌ها" بلکه برای فهمیدن و سازگار شدن با "راه‌ها"یی است که دنیای امروز لاجرم در پیش روی او می‌نهد (Hall, 2000: 4).

دومین نکته‌ای که بررسی حاضر نشان داد، تفاوت شیوه‌های برگزاری و فهم نوروز بین ایرانیان داخل و ایرانیان برون مرز بود. همان طور که دیدیم جشن نوروز مهاجران ایرانی از ابعاد زیر با جشن نوروز داخل تفاوت دارد:

ایرانیان مهاجر، نوروز را فعالیت گروهی گسترده‌ای می‌دانند که به منظور تحکیم پیوندهای اجتماعی در سطح گروه‌های اجتماعی بزرگ مهاجران انجام می‌دهند، در حالی که ایرانیان داخل، جشن نوروز را به صورت دید و بازدیدهای خانوادگی، محله‌ای و گروه‌های دوستی برگزار می‌کنند.

جشن نوروز مهاجران، در نهادها و سازمان‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مثل دانشگاه‌ها، موسسات و بنیادهای فرهنگی، سالن‌های موسیقی و رستوران‌ها برگزار می‌شود. در حالی که در ایران، این نهادها نقشی در برگزاری نوروز ندارند.

ایرانیان مهاجر، جشن نوروز را با اهداف و کارکردهای متفاوت از آن چه در داخل ایران صورت می‌گیرد، انجام می‌دهند. از جمله این اهداف و کارکردها می‌توان به معرفی فرهنگ ایرانی به دیگر ملیت‌ها، تحکیم مبانی اجتماعی قومی در جامعه میزبان، توسعه و تحکیم انسجام قومی، آموزش زبان و فرهنگ ایرانی به فرزندان و نسل‌های جوان و متمایز ساختن اجتماع ایرانیان از غیر ایرانیان و جامعه میزبان را نام برد.

شیوه‌های برگزاری نوروز ایرانیان مهاجر نیز با ایرانیان درون مرز تفاوت‌هایی دارد. تفاوت بنیادی در این نکته است که نوروز ایرانیان مهاجر یک "شو فرهنگی" است که به بازنمایی و عرضه مولفه‌های سنتی فرهنگ ایرانی می‌پردازد و بر نمادهایی که جلوه‌های بصری بیشتری دارند تکیه می‌شود. از اینرو این جشن‌ها به صورت کارنوالی (مانند جشن نیویورک و مونترآل)، یا برگزاری کنسرت‌های موسیقی، سخنرانی‌های عمومی و فعالیت‌های جمعی بزرگ انجام می‌شود.

همان طور که گفتیم، تمام این تغییرات ریشه در تحولاتی دارد که شرایط مدرن و پسا مدرن در جهان امروز فراهم کرده است. این نکته قابل ذکر است که نه تنها مدرنیته و شرایط مدرن،

نوروز را به مرزهای بیرون از ایران کشانده است بلکه نوروز در داخل ایران نیز شدیداً متأثر از فرایندها و فناوری‌های مدرن، در حال دگرگونی ساختاری است. بررسی این موضوع نیازمند مجال دیگری است، اما برای آنکه موضوع را اندکی روشن تر کرده باشیم تنها به ذکر چند نکته در این جا بسنده می‌کنیم.

یکی از بارزترین تغییرات نوروز در ایران در دهه اخیر و به خصوص چند سال اخیر، گسترش سفر در ایام نوروز است. تغییر بنیادین الگوی نوروز به سوی مدرن شدن را شاید بیش از هر چیز دیگر در این پدیده "سفرهای نوروزی" بتوان مشاهده کرد. در گذشته، سفر بخشی از آیین‌های نوروزی نبوده و «رسم بود که مردم در خانه بمانند» (روح الامینی ۱۳۸۲) اما هر چه به دوره مدرن و امروز نزدیک تر می‌شویم، سفرهای نوروزی و تمایل مردم به "بیرون رفتن از خانه" بیشتر می‌شود، به نحوی که در سال جاری (نوروز ۱۳۸۳) ۴۰ درصد مسافران نوروزی داخل کشور نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. در نوروز ۱۳۸۳ بنابر آمار رسمی «سازمان ایرانگردی و جهانگردی» شانزده میلیون و سیصد هزار نفر تنها به استان‌های خوزستان، خراسان، مازندران، گیلان و اصفهان سفر کرده‌اند.^(۱) اگر سفرهای انجام شده به ۲۳ استان دیگر را به ارقام فوق بیافزاییم، می‌توان تغییر آشکار الگوی نوروز را از "جشن دید و بازدید خانوادگی" در محل، به "جشن گشت و گذار" مشاهده کرد.

این تغییر باعث تغییرات ساختاری در شیوه برگزاری نوروز، کارکردها و در نهایت فهم آن می‌شود. بدون تردید توسعه وسایل حمل و نقل و ارتباطات و ورود سالانه حدود یک میلیون دستگاه اتومبیل در جامعه ایران و سهولت دستیابی و بهره برداری از آن‌ها، رشد امنیت شهرها و راه‌ها، گسترش خدمات گردشگری مانند هتل‌ها و رستوران‌ها و توسعه شرکت‌های خدمات گردشگری، به گسترش سفرهای نوروزی کمک کرده است، اما تحول بنیادی‌تر، ظهور فضا و شرایط فرهنگی است که انسان مدرن را به حرکت کردن و بیرون رفتن از مرزهای زادگاه و اقامتگاه خود می‌کشاند و او را وادار می‌کند به شیوه‌ای متفاوت از گذشته

۱- دکتر محمد طه عبدخدایی، رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی / مصاحبه با خبرگزاری مهر/دوازدهم فروردین ۱۳۸۳. این مصاحبه در وب سایت زیر موجود است:

روزهای فراغت خود را بگذرانند، فضایی که جیمز کلیفورد آن را "فرهنگ سفر"^(۱) (۱۹۹۷) می‌نامد. به تعبیر کلیفورد، سفر و تماس‌ها، پایگاه و جایگاهی برای "مدرنیته ناتمام"^(۲) است. امروزه در فضای مدرن وضع و مکان انسان به همان اندازه که دارای ثبات و یکجا بودن است، به همان اندازه نیز با سفر یا "جابجایی"^(۳) مشخص می‌شود. جابجایی و سفر نیز بیش از آنکه حامل ایده انتقال و گسترش یافتن باشد، مولفه اساسی سازنده "معانی فرهنگی"^(۴) است (Clifford, 1997: 3).

زیگموند بومن، از پیام‌آوران نظریه‌های پسامدرن، بنیان "فرهنگ سفر" دوره حاضر را در عبارت «انسان مدرن، انسان زایر است» خلاصه می‌کند (Bauman, 2000: 18). اینکه او به زیارت کدام معبد می‌رود، و در زیارت معابد کدام خواسته را "طلب" می‌کند، پرسش دشواری نیست. او به دنبال جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی است که بتواند "امروزی بودن" او را نمایش دهد. یکی از این معابد، موزه است. از اینرو جای شگفتی نیست که ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در نوروز سال ۱۳۸۳ از موزه‌های سراسر کشور بازدید کردند، رقمی که نسبت به سال قبل آن ۸۰ درصد رشد داشته است.^(۵) شکل‌گیری و گسترش موزه‌ها و نیز رشد میزان بازدید از آن‌ها پدیده‌ای نیست که یک شبه به وجود آید. همگام با ورود ایران به عصر مدرن، در اواخر دوره قاجار، موزه در ایران تاسیس شد و به تدریج با رشد مدرنیته بر تعداد آن اضافه شد تا به ۴۱۴ موزه کنونی رسید. رشد بازدید مردم از موزه به معنای نوعی تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت در ایام نوروز محسوب می‌شود. این تغییر حاصل تغییر ساختارهای ذهنی و نرم‌افزاری است که نظام کنش‌های ما را هدایت و رهبری می‌کند.

هم موزه و هم بازدید از آن، حاصل تولد "انسان زایر" و شکل‌گیری "فرهنگ سفر" است. در گذشته اساساً موزه‌ای وجود نداشته است که مردم از آن بازدید کنند. موزه در نتیجه فاصله گرفتن بشر از سنت‌ها و شکل‌گیری تلقی خاصی از مفهوم گذشته به منزله نوعی "سرمایه" که اغلب "میراث فرهنگی" نامیده می‌شود به وجود آمده است. از منظری وسیع‌تر پدیده موزه، "موزه

1- travelling culture

2- unfinished modernity

3- displacement

4- cultural meanings

پذیری" و از آن مهم تر "موزه پسندی"،^(۱) «نوعی احساس، اندیشه، ذوق و ذایقه یا طرز تلقی و نسبت و ارتباط بشر معاصر به ویژه باخترزمینی با چیزهایی است که مشابه اش را در هیچ دوره ای نمی‌شناسیم» (ملاصالحی ۱۳۷۸: ۲۳).

به طور خلاصه و با توجه به تمام آنچه گفته شد، می‌توان این نظریه را مطرح ساخت که برای درک و تبیین نوروز به مثابه یک آیین فرهنگی که در درون و بیرون مرزهای ایران رو به گسترش است، دیگر تنها با اتکا به تبیین‌های تاریخی و گذشته ایران نمی‌توان آن را توضیح داد، بلکه همان طور که دیدیم برپایی، استمرار و گسترش و چگونگی انجام این آیین در پرتو درک شرایط جهانی شدن و شرایط "مدرنیته متاخر"^(۲) یا پسا مدرن قابل تبیین است. انسان مدرن، به تعبیر مارشال برمن با "روح گوته‌ای‌اش" مدلی از شخصیت و خویشتن ارایه کرده است که می‌خواهد نقش آفرین و بازیگر باشد، "عاملی خود رشد یابنده"^(۳) که بر آینده تمرکز دارد نه گذشته. روح انسان امروزی مدرنیست است (Berman, 1982). نوروز و تمام آیین‌های فرهنگی ایرانی را باید با ملاحظه و در پرتو این روح مدرنیست گوته‌ای فهم و تبیین کرد، نه اسطوره جمشید. همان طور که گفتیم، نوروز همواره در طول تاریخ، متناسب و همگام با تغییرات اجتماعی و فرهنگی دستخوش دگرگونی شده است و در آینده نیز این تغییرات ادامه خواهد یافت. این تغییرات در تنوع و گوناگونی و اختلاف در شیوه‌های برگزاری آیین‌های نوروزی در سراسر ایران و آسیای میانه کاملاً بازتاب یافته است. همان گونه که با اسلام آوردن ایرانیان، نوروز معنای مذهبی خود را از دست داد و به سنتی سکولار، قومی و باستانی تبدیل شد، با ورود ایران به دوره مدرن و رشد و تثبیت مدرنیته ایرانی و ظهور انسان تمام عیار مدرنیست ایرانی، تمامی سنت‌ها از جمله نوروز، تعریف و مفهوم تازه‌ای پیدا می‌کنند^(۴) و با رشد و بسط فرایندهای مدرنیته و جهانی شدن، نوروز جامه ای نو از معانی تازه به تن می‌کند.

1- museophilic

2- late modernity

3- self-developing agent

۴- نگارنده در مقاله ای در باره نوروز کردها (۱۳۸۳) این نوع فهم‌ها از نوروز را در بین اقوام دیگر نشان

داده است.

منابع فارسی

- احمدی، بابک. *معمای مدرنیته*. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- اخوان بهبهانی، عبدالهادی. *نوروز در مصر*. تهران: وب سایت نوروز
<http://www.nowruz.ir/4-5.asp>
- بقایی، محمد، روح الامینی، محمود و اسدیان، محمد. *مجموعه گزارش‌های خبرگزاری ایسنا در باره سیزده بدر*. ۱۳۸۳/۱/۱۳.
- بهار، مهرداد. «نوروز: جشن بازایی» در *مجموعه مقالات «از اسطوره تا تاریخ»*. تهران: نشر چشمه. صص ۳۳۹ - ۳۶۰، ۱۳۷۶.
- حسینیان، مینو. *مراسم نوروز در کشور هند*. تهران: وب سایت نوروز، ۱۳۸۳.
<http://www.nowruz.ir/4-5.asp>
- جعفریان، رسول. *نوروز در فرهنگ شیعه*. تهران: وب سایت خبری بازتاب،
www.baztab.com ۱۳۸۲.
- رادیو فردا. ۲۲ مارس ۲۰۰۴ (دوم فروردین ۱۳۸۳).
http://www.radiofarda.org/transcripts/culture/2004/03/20040327_1930_2244_2801_FA.asp
- رسولی، آرزو. *اساطیر و نمادهای نوروزی*، ۱۳۸۳.
<http://www.chn.ir/shownews.asp?no=7410>
- رحیمی، عزیز. *بررسی‌های تاریخی و مذهبی آیین نوروز*. کلن: انتشارات مهر، ۱۹۸۸.
- رجبی، پرویز. *جشن‌های ایرانی*. تهران: فرزین، ۱۳۷۶.
- روح الامینی، محمود. *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز: نگارش و پژوهشی مردم شناختی*. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
- روح الامینی، محمود. *تفاوت‌های نوروز امروز با نوروز باستان*. تهران، ۱۳۸۲.
<http://www.chn.ir/SearchResults.asp>
- روشن، میترا. *عید آمد و بهار نیامد! نگاهی به دومین کارنوال نوروزی ایرانیان در مونترآل*. روزنامه وقایع اتفاقیه. شمار اول. شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۳.
- ریف، دیوید. *اگر همه‌ی ارزش‌های مطلوب با هم قابل مقایسه نبودند چه؟ برگردان علی محمد طباطبایی*. ۲۱ فروردین ۱۳۸۳ وب سایت ایران امروز.

http://think.iran-emrooz.de/more.php?id=3988_0_12_0_M

زینگر، هانت انت. آیا مدل اقلیت‌های قومی هلند آینده‌ای دارد؟ در کتاب «مسلمانان در اروپا» ویراسته برنارد لویس و دومینیک اشناپر. ترجمه محمد حسین آریا. تهران: الهدی.

- سلیمانی، مرضیه. چهارشنبه سوری در جهان. روزنامه شرق. ۱۳۸۲/۲۸/۱۲

- ساعد برومند، جواد. نوروز جمشیدی: پژوهشی نوین از پیدایی نوروز. تهران: توس،

۱۳۷۷.

- شایگان، داریوش. افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه

ولیانی. تهران: نشر فرزانه، ۱۳۸۰.

- عادلخواه، فریبا. مهاجران ایرانی لوس آنجلس و چالش آزادی در سه محور قومی، دینی

و اقتصادی. مقاله چاپ نشده. ارائه شده در نشست انجمن دانشجویان ایرانی در مدرسه کینگز

کالج دانشگاه لندن، ۲۰۰۴.

- عزیزی، بشیر. نوروز، انگیزه و رسالت فرهنگی آن. چاپ هلند، ۲۰۰۳.

- فاضلی، نعمت‌الله. ایرانیان بریتانیا: بررسی در باره هویت. رایزنی فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران در بریتانیا. مقاله منتشر نشده، ۱۳۸۳.

- فاضلی، نعمت‌الله. سیاست و سفره هفت سین: مردم‌نگاری نوروز‌گردها در لندن.

رایزنی فرهنگی ایران در بریتانیا. مقاله ارائه شده در دومین همایش بین‌المللی ایران‌شناسی.

تهران، ۱۳۸۳.

- فاضلی، نعمت‌الله. سفرنامه نوروزی به شهرگریت یارموث. در کتاب «مردم‌نگاری‌های

سفر» تهران: در دست انتشار.

- قاسمی، رضا. کانون ایران در لندن. مجله اینترنتی واژه. شماره اول، فروردین ۱۳۸۲.

- کریمیان سردشتی، نادر. نوروز در روایات شیعه و در کتاب التاج جاحظ بصری، ۱۳۸۳.

<http://www.nowruz.ir/45-1.asp>

- کریستن سن، آرتور. «نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای

ایرانیان»، ترجمه و تحقیق: احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۷.

- مظاهری، علی. نوروز و مهرگان. پاریس: بنیاد شاگردان استاد مظاهری، ۱۹۹۲.

- ملا صالحی، حکمت. موزه، پدیده‌ی شرایط جدید تاریخی. مجله موزه‌ها شماره ۲۲

۱۳۷۸.

- مزداپور، کتایون. آتش افروزی در نوروز. تهران: میراث خبر، ۱۳۸۳.

<http://www.chn.ir/showarticle.asp?no=245>

- همایونی، صادق. نوروز و پیوستگی آن با سایر اقوام و ملل. تهران: وب سایت نوروز،

<http://www.nowruz.ir/4-8.asp>

۱۳۸۳.

- هنری، مرتضی. آیین‌های نوروزی: و یک مقاله در باره سال هجری. لندن: انتشارات

جابه، ۱۹۹۱.

- Adelman, H. 2003. *Modernity, Globalization, Refugees and Displacement*. Pp. 83-107. In Ager, A. Perspectives on the Refugee Experiences. In *Refugees: Perspectives on the Experiences of Forced Migration* (ed) A. Ager. London and New York: Continuum.

- Ansari, A. 1988. *Iranian Immigrants in the United States: a Case Study of Dual Marginality*. New York: Associated Faculty Press.

- Appadurai, A. 2000. *Modernity At Large: Cultural Dimensions of Globalization*. Minneapolis, London: University of Minneapolis Press.

- Bauman, Z. 2000. *From Pilgrim to Tourist - Or A Short History of Identity*. ? In *Questions of Cultural Identity*. (eds) S. Hall and P. d. Goy. London and New York: SAGE

- Bell, C. 1997. *Ritual: Perspectives and Dimensions*. New York, Oxford: Oxford University Press.

- Berman, M. 1982. *All That Is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity*. New York: Simon and Shuster.

- Berry, J. W. 1991. *Refugee Adaptation in Settlement Countries: An Overview With an Emphasis On Primary Settlement*. In *Refugee Children: Theory, Research and Services*. (eds.) P. Dasen and W. J. Berry. Pp. 20-38. Baltimore: John Hopkins

University Press.

- Chaney, D. 1994. *The Cultural Turn*. London: Routledge.
- Clifford, J. 1997. *Traveling Cultures*. In *Routes: Travel and Translation in the Late Twentieth Century*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Clifford, J. 1988. *Predicament of Culture: Twentieth-Century Ethnography, Literature, and Art*. Harvard University Press.
- Delanty, G. 2003. *Community. London and New York*: Routledge. Featherstone, M. (ed.) 1990 *Global Culture: Nationalism, Globalization and Modernity*. London and New York: SAGE.
- Friedman, J. 1994. *Cultural Identity & Global Processes*. London and New York: SAGE.
- Funch, S. 2001. *Against Essentialism: A Theory of Culture and Society*. Harvard University Press.
- Hall, S. 2000. *Introduction: Who Needs Identity?* In *Questions of Cultural Identity*. (eds) S. Hall and P. d. Goy. London and New York: SAGE
- Hobsbawm, E. and T. Ranger (eds) 1983 *The Invention of Tradition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hosseini-Kaladjahi, H. 1997. *Iranians in Sweden: Economic, Cultural and Social Integration*. Stockholm: Almqvist & Wiksell International.
- Inda, J. X and R. Rosaldo 2002. *Introduction: A World in Motion*. In *The Anthropology of Globalization*. (eds) J. X. Inda and R. Rosaldo. London: Blackwell.
- Miller, D. (ed.) *Unwrapping Christmas*. Oxford: Glarendon Press.
- Naficy, H. 1993. *The Making of Exile Cultures: Iranian Television in Los Angeles*. Minneapolis and London: University of Minnesota Press.
- Rieff, D. 2002. *What if not al goods are compatible? Project Syndicate*.
- Spradley, J. P. 1980. *Participant Observation*. New York: Holt, Rinehart and

Winston.

- Thompson, J. B. 1990. *Ideology and Modern Culture*: critical social theory in the era of Mass Communication. Cambridge: Polity.

- Turner, V. 1969. *The Process of Ritual: Structure and Anti-Structure*. Ithaca, N.Y. Cornell University Press.